

## امثال

بیشتر قسمت کتاب «امثال» توسط سلیمان، خردمندترین مرد جهان، نوشته شده است. موضوع اصلی کتاب را می‌توان بطور خلاصه در فصل اول، آیات 7 و 8 و 9 یافت: «نخستین قدم برای کسب دانش، خداترسی است. کسی که حکمت و ادب را خوار می‌شمارد، احمق است. ای جوان، نصیحت پدربزرگ را بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان نشو، زیرا سخنان ایشان مانند تاج و جواهر، سیرت تو را زیبا خواهند ساخت.»

بیشتر قسمت‌های امثال از کارهای شخص دانا و حکیم سخن می‌گوید و آنها را با کارهای شخص نادان و احمق مقایسه می‌کند؛ مانند این آیه: «آدم نادان فکر می‌کند هر کاری می‌کند درست است و احتیاج به نصیحت ندارد، اما شخص دانا به نصایح دیگران گوش می‌دهد» (12: 15).

اغلب امثال با بهره‌گیری از گفتار متضاد، واقعیت‌های زندگی روزانه را جلوه‌گر می‌سازد. «خبرچین هر جا می‌رود اسرار دیگران را فاش می‌کند، ولی شخص امین اسرار را در دل خود مخفی نگه می‌دارد» (11: 13).

کتاب امثال دو نوع انسان را به ما معرفی می‌کند، انسانی که فقط بدنبال ارضای نفس خودش است و انسانی که می‌خواهد رضای خداوند را کسب کند.

این کتاب به خواننده بیشتر می‌بخشد تا خردمندانه زندگی کند.

### ارزش مثلها

<sup>10</sup> وقتی نگاه‌کاران تو را وسوسه می‌کنند، تسلیم نشو.

<sup>11</sup> اگر آنها به تو بگویند: «بیا در کمین مردم بنشینیم و آنها را بکشیم»<sup>12</sup> و مانند قبر، آنها را ببلعیم و از هستی ساقط کنیم؛<sup>13</sup> از این راه ما اشیاء قیمتی فراوان به چنگ خواهیم آورد و خانه‌های خود را از این غنایم پر خواهیم ساخت؛<sup>14</sup> هر چه به دست بیاوریم به تساوی بین خود تقسیم خواهیم کرد؛ پس بیا و با ما همدست شو!»<sup>15</sup> پسرم تو با آنها نرو و خود را از چنین افرادی دور نگه‌دار؛<sup>16</sup> زیرا آنها همیشه در پی گناه و قتل هستند.<sup>17</sup> یک پرندۀ وقتی می‌بیند برایش دام گذاشته‌اند، از آن دوری می‌کند.<sup>18</sup> ولی این افراد اینطور نیستند. آنها خودشان را به دام می‌اندازند و با دست خود گور خود را می‌کنند.<sup>19</sup> این است سرنوشت تمام کسانی که در پی سود نامشروع هستند. چنین اشخاص خود را نابود می‌کنند.

### ندای حکمت

<sup>20</sup> حکمت در کوچه‌ها ندا می‌دهد.<sup>21</sup> مردم را که در سر چهارراه‌ها و نزد دروازه شهر جمع شده‌اند صدا

### 1 مثل‌های سلیمان، پادشاه اسرائیل، که پسر داود بود:

<sup>2</sup> این مثلها به شما کمک خواهند کرد تا حکمت و ادب بیاموزید و بتوانید معنی سخنان پرمغز را درک کنید. <sup>3</sup> آنها به شما یاد خواهند داد چگونه رفتار عاقلانه داشته باشید و با صداقت و عدالت و انصاف عمل کنید. <sup>4</sup> این مثلها به جاهلان حکمت می‌بخشند و به جوانان فهم و بصیرت. <sup>5</sup> <sup>6</sup> با شنیدن و درک این مثلها، حتی نادانان داناتر می‌شوند و دانشمندان چاره‌اندیشی کسب می‌کنند تا بتوانند معانی گفتار پیچیده حکیمان را بفهمند.

### نصیحت به جوانان

<sup>7</sup> نخستین قدم برای کسب دانش، خداترسی است. کسی که حکمت و ادب را خوار می‌شمارد، احمق است.<sup>8</sup> ای جوان، نصیحت پدربزرگ را بشنو و از تعلیم مادرت رویگردان نشو،<sup>9</sup> زیرا سخنان ایشان مانند تاج و جواهر، سیرت تو را زیبا خواهند ساخت.

کرده، می‌گوید: <sup>22</sup>«ای احمق‌ها! تا کی می‌خواهید احمق بمانید؟ تا کی می‌خواهید دانایی را مسخره کنید و از آن متفتر بابتید؟<sup>23</sup> اگر سرزنش مرا می‌پذیرفتید من روح خود را بر شما نازل می‌کردم و شما را دانا می‌ساختم.<sup>24</sup> بپارها شما را صدا کردم ولی توجه نکردید، التماس نمودم اما اعتنا نمودید.<sup>25</sup> شما نصیحت و نکوهش مرا نپذیرفتید.<sup>26</sup> من نیز در روز مصیبتان به شما خواهم خندید، و هنگامی که بلا

دامگیرتان شود شما را مسخره خواهم کرد.<sup>27</sup> وقتی بلا مانند طوفان شما را فرا گیرد و مصیبت مثل گردباد شما را احاطه کند، و سختی و ببختی شما را از پای درآورد،<sup>28</sup> به داد شما نخواهم رسید، و اگر چه با اشتیاق بدنبال بگردید، مرا نخواهید یافت؛<sup>29</sup> زیرا از دانایی متفتر بوده‌اید و از خداوند اطاعت

نکرده‌اید.<sup>30</sup> نصیحت مرا گوش نگرفته‌اید و نکوهش مرا نپذیرفته‌اید.<sup>31</sup> بنابراین ثمره راهی را که در پیش گرفته‌اید نخواهید دید.<sup>32</sup> زیرا سرکشی احمقان، ایشان را خواهد کشت و بی‌خیالی نادانان آنها را از پای در خواهد آورد.<sup>33</sup> ولی همه کسانی که به من گوش دهند، از هیچ بلایی نخواهند ترسید و در امنیت زندگی خواهند کرد.»

### نصیحت به جوانان

پسرم، چیزهایی را که به تو آموخته‌ام هرگز فراموش نکن. اگر می‌خواهی زندگی خوب و

### 3

طولانی داشته باشی، بدقت از دستورات من پیروی کن.<sup>3</sup> محبت و راستی را هرگز فراموش نکن بلکه آنها را برگردنت بیاویز و بر صفحه دلَت بنویس،<sup>4</sup> اگر چنین کنی هم خدا از تو راضی خواهد بود هم انسان. <sup>5</sup>تبا تمام دل خود به خداوند اعتماد کن و بر عقل خود تکیه نمنا.<sup>6</sup> هر کاری که انجام می‌دهی خدا را در نظر داشته باش و او در تمام کارهایت تو را موفق خواهد ساخت.

<sup>7</sup>به حکمت خود تکیه نکن بلکه از خداوند اطاعت نما و از بدی دوری کن،<sup>8</sup> و این مرهمی برای زخم‌هایت بوده، به تو سلامتی خواهد بخشید.

<sup>9</sup>از دارایی خود برای خداوند هدیه بیاور، نوبر محصولت را به او تقدیم نما و به این وسیله او را احترام کن.<sup>10</sup> آنگاه انبارهای تو پر از وفور نعمت

کرده، می‌گوید: <sup>22</sup>«ای احمق‌ها! تا کی می‌خواهید احمق بمانید؟ تا کی می‌خواهید دانایی را مسخره کنید و از آن متفتر بابتید؟<sup>23</sup> اگر سرزنش مرا می‌پذیرفتید من روح خود را بر شما نازل می‌کردم و شما را دانا می‌ساختم.<sup>24</sup> بپارها شما را صدا کردم ولی توجه نکردید، التماس نمودم اما اعتنا نمودید.<sup>25</sup> شما نصیحت و نکوهش مرا نپذیرفتید.<sup>26</sup> من نیز در روز مصیبتان به شما خواهم خندید، و هنگامی که بلا دامگیرتان شود شما را مسخره خواهم کرد.<sup>27</sup> وقتی بلا مانند طوفان شما را فرا گیرد و مصیبت مثل گردباد شما را احاطه کند، و سختی و ببختی شما را از پای درآورد،<sup>28</sup> به داد شما نخواهم رسید، و اگر چه با اشتیاق بدنبال بگردید، مرا نخواهید یافت؛<sup>29</sup> زیرا از دانایی متفتر بوده‌اید و از خداوند اطاعت

### پاداش حکمت

ای پسرم، اگر به سخنانم گوش بدهی و <sup>2</sup>دستوراتم را اطاعت کنی، به حکمت گوش فرا دهی و طالب دانایی باشی،<sup>3</sup> و اگر بدنبال فهم و بصیرت بگردی<sup>4</sup> و آن را مانند نقره بطلبی تا به چنگ آری،<sup>5</sup> آنگاه خدا را خواهی شناخت و اهمیت خداترسی را خواهی آموخت.<sup>6</sup> خداوند بخشنده حکمت است و سخنان دهان او به انسان فهم و دانش می‌بخشد.

<sup>7</sup>او به آدمهای خوب و درستکار کمک می‌کند و از آنها محافظت می‌نماید.<sup>8</sup> او از اشخاص با انصاف و خدانشناس حمایت می‌کند.

<sup>9</sup>اگر به سخنانم گوش بدهی، خواهی فهمید که عدالت، انصاف و صداقت چیست و راه درست کدام است.<sup>10</sup> حکمت جزو وجود تو خواهد شد و دانش به تو لذت خواهد بخشید.<sup>11</sup> بصیرت و فهم تو، از تو

<sup>33</sup> لعنت خداوند بر بدکاران است، اما برکت و رحمت او شامل حال درستکاران می‌باشد. <sup>34</sup> خداوند مسخرکنندگان را مسخره می‌کند، اما اشخاص فروتن را یاری می‌دهد. <sup>35</sup> انسانیان از عزت و احترام برخوردار خواهند گردید، ولی نادانان رسوا خواهند شد.

#### مزایای حکمت

4 ای پسرانم، به نصیحت پدر خود گوش دهید و به آن توجه کنید تا دانا شوید. <sup>2</sup> پندهای من مفید است؛ آنها را به خاطر بسپارید. <sup>3</sup> من هم زمانی جوان بودم؛ پدري داشتم و تنها فرزند عزیز مادرم بودم. <sup>4</sup> پدرم به من پند می‌داد و می‌گفت: «اگر حرفهای مرا بشنوی و به آنها عمل کنی، زنده خواهی ماند.» <sup>5</sup> حکمت و بصیرت کسب کن. سخنان مرا فراموش نکن و از آنها منحرف نشو. <sup>6</sup> حکمت را ترک نکن، زیرا از تو حمایت خواهد کرد. آن را دوست بدار که از تو محافظت خواهد نمود. <sup>7</sup> حکمت از هر چیزی بهتر است؛ به هر قیمتی شده آن را به دست بیاور. <sup>8</sup> اگر برای حکمت ارزش قابل شوی، او نیز تو را سربلند خواهد نمود. اگر حکمت را در آغوش بگیری او به تو عزت خواهد بخشید <sup>9</sup> و تاج عزت و افتخار بر سرت خواهد نهاد.»

<sup>10</sup> پسریم به من گوش کن و آنچه به تو می‌گویم بپذیر تا عمری طولانی داشته باشی. <sup>11</sup> من به تو حکمت آموختم و تو را بسوی راستی هدایت نمودم. <sup>12</sup> وقتی راه روی مانعی بر سر راهت نخواهد بود و چون بدوی پایت نخواهد لغزید. <sup>13</sup> آنچه را که آموخته‌ای حفظ کن و آن را از دست نده؛ آن را نگه‌دار، زیرا حیات توست. <sup>14</sup> به راه بدکاران نرو و از روش گناهکاران پیروی ننما. <sup>15</sup> از آنها دوری کن و روی خود را از آنان بگردان و به راه خود برو؛ <sup>16</sup> زیرا ایشان تا بدی نکنند نمی‌خواهند و تا باعث لغزش و سقوط کسی نشوند آرام نمی‌گیرند. <sup>17</sup> خوراک آنها ظلم و شرارت است.

<sup>18</sup> راه درستکاران مانند سپیده صبح است که رفته‌رفته روشنتر می‌شود تا سرانجام به روشنایی

خواهد شد و خمره‌هایت از شراب تازه لبریز خواهد گردید.

<sup>11</sup> پسریم، وقتی خداوند تو را تأدیب و تنبیه می‌کند، از او آزرده خاطر نشو، زیرا تنبیه کردن او دلیل محبت اوست. <sup>12</sup> همانطور که هر پدری پسر محبوب خود را تنبیه می‌کند تا او را اصلاح نماید، خداوند نیز تو را تأدیب و تنبیه می‌کند.

<sup>13</sup> خوشبحال کسی که حکمت و بصیرت پیدا می‌کند؛ <sup>14</sup> او از کسی که طلا و نقره یافته خوشبخت‌تر است! <sup>15</sup> ارزش حکمت از جواهرات بیشتر است و آن را نمی‌توان با هیچ گنجی مقایسه کرد. <sup>16</sup> حکمت به انسان زندگی خوب و طولانی، ثروت و احترام می‌بخشد. <sup>17</sup> حکمت زندگی تو را از خوشی و سلامتی لبریز می‌کند. <sup>18</sup> خوشبحال کسی که حکمت را به چنگ آورد، زیرا حکمت مانند درخت حیات است.

<sup>19</sup> خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد و به عقل خویش آسمان را برقرار نمود. <sup>20</sup> به علم خود چشمه‌ها را روی زمین جاری ساخت و از آسمان بر زمین باران بارانید.

<sup>21</sup> پسریم، حکمت و بصیرت را نگاهدار و هرگز آنها را از نظر خود دور نکن؛ <sup>22</sup> زیرا آنها به تو زندگی و عزت خواهند بخشید، <sup>23</sup> و تو در امنیت خواهی بود و در راهی که می‌روی هرگز نخواهی لغزید؛ <sup>24</sup> آنها خیال راحت و بدون ترس خواهی خوابیدی؛ <sup>25</sup> از بلایی که بطور ناگهانی بر بدکاران نازل می‌شود، نخواهی ترسید؛ <sup>26</sup> و خداوند تو را حفظ کرده، نخواهد گذاشت در دام بلا گرفتار شوی.

<sup>27</sup> اگر می‌توانی به داد کسی که محتاج است برسی، کمک خود را از او دریغ مدار. <sup>28</sup> هرگز به همسایه‌ات مگو: «برو فردا بیا»، اگر همان موقع می‌توانی به او کمک کنی. <sup>29</sup> علیه همسایه‌ات که با خیال راحت در جوار تو زندگی می‌کند توطئه نکن. <sup>30</sup> یا کسی که به تو بدی نکرده است بی‌جهت دعوا نکن. <sup>31</sup> به اشخاص ظالم حسادت نکن و از راه و روش آنها پیروی ننما، <sup>32</sup> زیرا خداوند از اشخاص کجرو نفرت دارد، اما به درستکاران اعتماد می‌کند.

کامل روز تبدیل می‌گردد،<sup>19</sup> اما راه بدکاران مثل سیاهی شب است. بدکاران می‌افتند و نمی‌دانند چه چیز باعث افتادنشان شده است.

<sup>20</sup> ای پسر، به آنچه که به تو می‌گویم بدقت گوش بده. <sup>21</sup> سخنان مرا از نظر دور ندار، بلکه آنها را در دل خود حفظ کن، <sup>22</sup> زیرا سخنان من به شنونده حیات و سلامتی کامل می‌بخشد. <sup>23</sup> مواظب افکار باش، زیرا زندگی انسان از افکارش شکل می‌گیرد. <sup>24</sup> دروغ و ناراستی را از دهان خود دور کن. <sup>25</sup> چشمان خود را به هدف بدوز و به اطراف توجه نکن. <sup>26</sup> مواظب راهی که در آن قدم می‌گذاری باش. همیشه در راه راست گام بردار تا در امان باشی. <sup>27</sup> از راه راست منحرف نشو و خود را از بدی دور نگه‌دار.

به سخنان ایشان توجه نکردم؟<sup>14</sup> اکنون باید پیش همه رسوا و سرافکنده باشم.»

<sup>15</sup> پسر، نسبت به همسر خود وفادار باش و تنها نسبت به او عشق بورز. <sup>16</sup> چرا باید از زنان هرزه خیابانی صاحب بچه شوی؟ <sup>17</sup> فرزندان تو باید تنها مال خودت باشند و نباید غریبه‌ها در آنان سهمی داشته باشند. <sup>18</sup> پس با زنت خوش باش و از همسر خود که در ایام جوانی با او ازدواج کرده‌ای لذت ببر. <sup>19</sup> دلبرها و آغوش او تو را کافی باشد، و قلب تو فقط از عشق او سرشار گردد. <sup>20</sup> چرا باید به زن بدکاره دل ببندی و زنی را که به تو تعلق ندارد در آغوش بگیری؟ <sup>21</sup> خداوند بخت تو را زیر نظر دارد و هر کاری را که انجام می‌دهی می‌سنجد.

<sup>22</sup> گناهان شخص بدکار مانند ریسمان به دورش می‌پیچد و او را گرفتار می‌سازد. <sup>23</sup> بلهوسی او باعث مرگش خواهد شد و حماقتش او را به نابودی خواهد کشاند.

### هشدارهای گوناگون

**6** ای پسر، اگر ضامن کسی شده‌ای و تعهد کرده‌ای که او قرضش را پس بدهد، تو اگر با این تعهد، خود را گرفتار ساخته‌ای، تو در واقع اسیر او هستی و باید هر چه زودتر خود را از این دام رها سازی. پس فروتن شو و نزد او برو و از او خواهش کن تا تو را از قید این تعهد آزاد سازد. <sup>4</sup> خواب به چشمانت راه نده و آرام ننشین، بلکه مانند آهویی که از چنگ صیاد می‌گریزد یا پرنده‌ای که از دامی که برایش نهاده‌اند می‌رهد، خود را نجات بده. <sup>6</sup> ای آدمهای تنبل، زندگی مورچه‌ها را مشاهده کن و درس عبرت بگیر. <sup>7</sup> آنها ارباب و رهبر و رئیسی ندارند، <sup>8</sup> ولی با این همه در طول تابستان زحمت می‌کشند و برای زمستان آذوقه جمع می‌کنند. <sup>9</sup> اما ای آدم تنبل، کار تو فقط خوابیدن است. پس کی می‌خواهی بیدار شوی؟ <sup>10</sup> می‌گویی: «بگذار کمی بیشتر بخوابم! بگذار استراحت کنم.» <sup>11</sup> اما بدان که فقر و تنگدستی مانند راهزنی مسلح بر تو هجوم خواهد آورد.

### هشدار در مورد زنا

**5** ای پسر، به سخنان حکیمانه من گوش کن و به بصیرت من توجه نما. <sup>2</sup> آنگاه خواهی دانست چگونه درست رفتار کنی، و سخنان تو نشان خواهد داد که از دانایی برخوردار هستی. <sup>3</sup> زن بدکاره چرب زبان است و سخنان او مانند عسل شیرین می‌باشد؛ <sup>4</sup> ولی عاقبت جز تلخی و درد چیزی برای تو باقی نمی‌گذارد. <sup>5</sup> زن بدکاره تو را بسوی مرگ و جهنم می‌کشاند، <sup>6</sup> زیرا او از راه زندگی منحرف شده و سرگردان است و نمی‌داند به کجا می‌رود. <sup>7</sup> ای جوانان، به من گوش دهید و آنچه را که می‌خواهم به شما بگویم هرگز فراموش نکنید: <sup>8</sup> از چنین زنی دوری کنید. حتی به در خانه‌اش هم نزدیک نشوید، <sup>9</sup> مبادا در دام و سوسه‌هایش گرفتار شوید و حیثیت خود را از دست بدهید و بقیه عمر خویش را صرف کسی کنید که رحم و شفقت ندارد. <sup>10</sup> مبادا غریبه‌ها اموال شما را تصاحب نمایند و ثمره زحمت شما از آن دیگران شود، <sup>11</sup> و عاقبت بیمار شده، از شدت درماندگی بنالید <sup>12</sup> و بگویید: «کاش که گوش می‌دادم! کاش که تسلیم هوی و هوسهای نمی‌شدم!» <sup>13</sup> چرا به نصایح معلمانم گوش ندادم؟ چرا

اموالش تمام شود.<sup>32</sup> اما کسی که مرتکب زنا می‌شود احمق است، زیرا جان خود را تباه می‌کند.<sup>33</sup> او را خواهند زد و رسوایی تا ابد گریبانگیر او خواهد بود؛<sup>34</sup> زیرا آتش خشم و حسادت شوهر آن زن شعلور می‌گردد و با بی‌رحمی انتقام می‌گیرد.<sup>35</sup> او تاوانی قبول نخواهد کرد و هیچ هدیه‌ای خشم او را فرو نخواهد نشاند.

### دوری از زن فاحشه

7 پسر، نصایح مرا بشنو و همیشه آنها را به یاد داشته باش.<sup>2</sup> اوامر مرا به جا آور تا زنده بمانی. تعلیم مرا مانند مردمک چشم خود حفظ کن.<sup>3</sup> آن را آویزه گوش خود بساز و در اعماق دل خود نگهدار.<sup>4</sup> حکمت را خواهر خود بدان و بصیرت را دوست خود.<sup>5</sup> بگذار حکمت، تو را از رفتن بدنبال زنان هرزه و گوش دادن به سخنان فریبنده آنان باز دارد.

<sup>6</sup> یک روز از پنجره خانه‌ام بیرون را تماشا می‌کردم.<sup>7,8,9</sup> یکی از جوانان احمق و جاهل را دیدم که در تاریکی شب از کوچه‌ای که در آن خانه زنی بدکار قرار داشت، می‌گذشت.<sup>10</sup> آن زن در حالیکه لباس وسوسه‌انگیزی بر تن داشت و نقشه‌های پلیدی در سر می‌پروراند، بسویش آمد.<sup>11,12</sup> (او زن گستاخ و بی‌شرمی بود و اغلب در کوچه و بازار پرسه می‌زد تا در هر گوشه و کناری مردان را بفریبید.)<sup>13</sup> آن زن بازوان خود را به دور گردن جوان حلقه کرده، او را بوسید و با نگاهی هوس‌انگیز به او گفت:<sup>14</sup> «امروز نذر خود را ادا کردم و گوشت قربانی در خانه آماده است.<sup>15</sup> پس برای یافتن تو از خانه بیرون آمدم. در جستجوی تو بودم که تو را دیدم.<sup>16,17</sup> بر رختخوابم ملافه‌های رنگارنگ از پارچه حریر مصر پهن کرده‌ام و آن را با عطرها و خوشبو معطر ساخته‌ام.<sup>18</sup> بیا از یکدیگر لذت ببریم و تا صبح از عشق سیر شویم.<sup>19</sup> شوهرم در خانه نیست و به سفر دوری رفته است.<sup>20</sup> به اندازه کافی با خود پول برده و تا آخر ماه بر نمی‌گردد.»

<sup>12</sup> آدم رذل و بدطینت که دایم دروغ می‌گوید،<sup>13</sup> و برای فریب دادن مردم با ایما و اشاره حرف می‌زند،<sup>14</sup> و در فکر پلید خود پیوسته نقشه‌های شرورانه می‌کشد و نزاع برپا می‌کند،<sup>15</sup> ناگهان دچار بلای علاج‌ناپذیری می‌گردد که او را از پای در می‌آورد.<sup>16-19</sup> هفت چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد: نگاه متکبرانانه، زبان دروغگو،

دستهایی که خون بی‌گناه را می‌ریزند، فکری که نقشه‌های پلید می‌کشد، پاهایی که برای بدی کردن می‌شتابند، شهادی که دروغ می‌گوید، شخصی که در میان دوستان تفرقه می‌اندازد.

### هشدار در مورد زنا

<sup>20</sup> ای پسر من، اوامر پدر خود را به جا آور و تعالیم مادرت را فراموش نکن.<sup>21</sup> سخنان ایشان را آویزه گوش خود نما و نصایح آنها را در دل خود جای بده.<sup>22</sup> اندرزهای ایشان تو را در راهی که می‌روی هدایت خواهند کرد و هنگامی که در خواب هستی از تو مواظبت خواهند نمود و چون بیدار شوی با تو سخن خواهند گفت؛<sup>23</sup> زیرا تعالیم و تأدیب‌های ایشان مانند چراغی پر نور راه زندگی تو را روشن می‌سازند.<sup>24</sup> نصایح ایشان تو را از زنان بدکاره و سخنان فریبنده‌شان دور نگه می‌دارد.

<sup>25</sup> دلپاخته زیبایی اینگونه زنان نشو. نگذار عشوگرگی‌های آنها تو را وسوسه نماید؛<sup>26</sup> زیرا زن فاحشه تو را محتاج نان می‌کند و زن بدکاره زندگی تو را تباه می‌سازد.<sup>27</sup> آیا کسی می‌تواند آتش را در بر بگیرد و نسوزد؟<sup>28</sup> آیا می‌تواند روی زغالهای داغ راه برود و پاهایش سوخته نشود؟<sup>29</sup> همچنان است مردی که با زن دیگری زنا کند. او نمی‌تواند از مجازات این گناه فرار کند.

<sup>30</sup> اگر کسی به دلیل گرسنگی دست به زدی بزند مردم او را سرزنش نمی‌کنند،<sup>31</sup> با اینحال وقتی به دام بیفتد باید هفت برابر آنچه که زدیده است جریمه بدهد، ولو اینکه این کار به قیمت از دست دادن همه

حرم، اموال و موفقیت در اختیار من است.<sup>19</sup> بخششهای من از طلای ناب و نقره خالص بهتر است.<sup>20</sup> راههای من عدل و حق است.<sup>21</sup> ثروت حقیقی از آن کسانی است که مرا دوست دارند، زیرا من خزانه‌های ایشان را بر می‌سازم.

<sup>22</sup> «خداوند در ابتدا، قبل از آفرینش عالم هستی، مرا با خود داشت.<sup>23</sup> از ازل، پیش از به وجود آمدن جهان من به وجود آمدم.<sup>24</sup> قبل از پیدایش اقیانوسها و چشمه‌های پر آب،<sup>25</sup> قبل از آنکه کوهها و تپه‌ها به وجود آیند،<sup>26</sup> قبل از آنکه خدا زمین و صحراها و حتی خاک را بیافریند من به وجود آمدم.

<sup>27</sup> «وقتی خدا آسمان را استوار ساخت و افق را بر سطح آنها کشید من آنجا بودم.<sup>28</sup> وقتی ابرها را در آسمان گسترانید و چشمه‌ها را از اعماق جاری نمود،<sup>29</sup> وقتی حدود دریاها را تعیین کرد تا آنها از آن تجاوز نکنند و وقتی اساس زمین را بنیاد نهاد،<sup>30</sup> من نزد او معمار بودم. موجب شادی همیشگی او بودم و در حضورش شادی می‌کردم.<sup>31</sup> دنیا و انسانهایی که او آفریده بود مایه خوشی من بودند.<sup>32</sup> پس ای جوانان به من گوش دهید، زیرا همه کسانی که از دستورات من پیروی می‌کنند سعادت‌مندند.

<sup>33</sup> «به نصیحت من گوش کنید؛ عاقل باشید و نصیحت مرا رد نکنید.<sup>34</sup> خوشحال کسی که به من گوش دهد و هر روز جلو در خانه من انتظار مرا بگذرد،<sup>35</sup> زیرا هر که مرا بیاید حیات را یافته و خداوند را خشنود ساخته است؛<sup>36</sup> اما کسی که مرا از دست بدهد به جانش لطمه می‌زند، آنانی که از من منتظر باشند مرگ را دوست دارند.»

### حکمت و حماقت

**9** حکمت کاخی بنا کرده است که هفت ستون دارد.<sup>2</sup> او مهمانی بزرگی ترتیب داده و انواع شرابها و خوراکیها را آماده کرده است<sup>3</sup> و کنیزان خود را فرستاده، تا بر بلندترین مکان شهر بایستند و ندا سر دهند:<sup>4</sup> «ای آدمهای جاهل و نادان بیاید و از خوراک و شرابی که آماده کرده‌ام بخورید.»<sup>6</sup> راه

<sup>21</sup> به این ترتیب با سخنان فریبنده و وسوسه‌انگیزش آن جوان را اغوا کرد؛<sup>22</sup> بطوری که او مثل گاو که به کشتارگاه می‌رود، چون گوزن به دام افتاده‌ای که در انتظار تیری باشد که قلبش را بشکافد، بدنبال آن فاحشه رفت. او مثل پرنده‌ای است که به داخل دام می‌پرد و نمی‌داند در آنجا چه سرنوشتی در انتظارش است.<sup>24</sup> ای جوانان، به من گوش دهید و به سخنانم توجه کنید.<sup>25</sup> نگذارید چنین زنی دل شما را برباید. از او دور شوید، مبادا شما را به گمراهی بکشند.<sup>26</sup> او بسیاری را خانه خراب کرده است و مردان زیادی قربانی هوسرانیهای او شده‌اند<sup>27</sup> خانه او راهی است بسوی مرگ و هلاکت.

### ندای حکمت

**8** آیا ندای حکمت را نمی‌شنوید؟<sup>32</sup> حکمت دم دروازه‌های شهر و سر چهار راهها و جلو در هر خانه‌ای ایستاده، می‌گوید:<sup>34</sup> «ای انسانهای جاهل و نادان به ندای من گوش دهید و زیرکی و فهم کسب کنید.<sup>7</sup> به من گوش دهید، زیرا سخنان من گرانبهاست. من حقیقت و راستی را بیان می‌کنم و از ناراستی نفرت دارم.<sup>8</sup> سخنان من بر حق است و کسی را گمراه نمی‌کند.<sup>9</sup> حرفهای من برای کسی که گوش شنوا داشته باشد واضح و روشن است.<sup>10</sup> تعلیمی که من می‌دهم از طلا و نقره گرانبهاتر است.<sup>11</sup> ارزش من از یاقوت بیشتر است و هیچ چیز را نمی‌توان با من مقایسه کرد.<sup>12</sup> من حکمت و از زیرکی و دانایی و بصیرت برخوردار می‌باشم.<sup>13</sup> اگر کسی خداترس باشد، از بدی نفرت خواهد داشت. من از غرور و تکبر، رفتار و گفتار نادرست منتفرم.

<sup>15</sup> «من هدایت می‌کنم و فهم و بصیرت می‌بخشم. به نیروی من پادشاهان سلطنت می‌کنند و قضات به عدل و انصاف قضاوت می‌نمایند.<sup>16</sup> تمام رهبران و بزرگان جهان به کمک من حکمرانی می‌کنند.<sup>17</sup> من کسانی را که مرا دوست دارند، دوست دارم. آنانی که در جستجوی من باشند مرا خواهند یافت.<sup>18</sup> ثروت و

از خود باقی می‌گذارند، اما نام بدکاران به فراموشی سپرده می‌شود.

<sup>8</sup>شخص عاقل پند و اندرز را می‌پذیرد، اما نادان یاومگو هلاک می‌شود.

<sup>9</sup>قدمهای آدم درستکار ثابت و استوار است، ولی شخص کجرو عاقبت می‌لغزد و می‌افتد.

<sup>10</sup>پوشاندن حقیقت ناآرامی ایجاد می‌کند، اما سرزنش آشکار آرامش بوجود می‌آورد.

<sup>11</sup>دهان درستکاران چشمهٔ حیات است، اما دهان شخص بدکار پر از نفرین می‌باشد.

<sup>12</sup>کینه و نفرت باعث نزاع می‌شود، ولی محبت گناه دیگران را می‌بخشد.

<sup>13</sup>اشخاص دانا بخاطر سخنان حکیمانه‌شان مورد ستایش قرار می‌گیرند، اما اشخاص نادان چوب حماقت خود را می‌خورند.

<sup>14</sup>در دهان شخص دانا سخنان سنجیده یافت می‌شود، اما آدم نادان سنجیده سخن می‌گوید و خرابی به بار می‌آورد.

<sup>15</sup>ثروت شخص ثروتمند او را محافظت می‌کند، اما ببنوایی شخص فقیر او را از پای در می‌آورد.

<sup>16</sup>درآمد شخص درستکار به زندگی او رونق می‌بخشد، اما شخص بدکار درآمد خود را در راههای گناه‌آلود بر باد می‌دهد.

<sup>17</sup>کسی که تأدیب را می‌پذیرد در راه حیات گام بر می‌دارد، اما کسی که نمی‌خواهد اصلاح گردد، به گمراهی کشیده می‌شود.

<sup>18</sup>کسی که کینه‌اش را پنهان می‌کند آدم نادرستی است. شخصی که شایعات بی‌اساس را پخش می‌کند احمق است.

<sup>19</sup>پرحرفی، انسان را بسوی گناه می‌کشاند. عاقل کسی است که زیانش را مهار کند.

<sup>20</sup>سخنان درستکاران مانند نقره گرانبهاست، اما حرفهای بدکاران هیچ ارزشی ندارد.

<sup>21</sup>سخنان خوب درستکاران، دیگران را احیا می‌کند، اما حماقت نادانان باعث مرگ خودشان می‌شود.

<sup>22</sup>برکت خداوند انسان را ثروتمند می‌سازد بدون اینکه زحمتی برای وی به بار آورد.

جهالت را ترک گفته، زنده بمانید. راه دانا شدن را پیش بگیرید.»

<sup>7</sup>اگر آدم بدکاری را که همیشه دیگران را مسخره می‌کند تأدیب نمایی، جز اینکه مورد اهانت او واقع شوی نتیجهٔ دیگری نخواهد داشت. <sup>8</sup>پس او را به حال خود واگذار چون اگر بخواهی به او کمک کنی از تو منتفر می‌شود؛ اما اگر شخص دانا را تأدیب کنی تو را دوست خواهد داشت. <sup>9</sup>اگر آدم دانا را نصیحت کنی داناتر می‌شود و اگر به آدم درستکار تعلیم بدهی علمش بیشتر می‌گردد؛ <sup>10</sup>زیرا خداترسی اساس حکمت است و شناخت خدای مقدس انسان را دانا می‌کند. <sup>11</sup>حکمت عمرت را زیاد می‌کند. <sup>12</sup>اگر حکمت داشته باشی سودش به خودت می‌رسد و اگر حکمت را ناپیچ بشماری به خودت زیان می‌رسانی.

<sup>13</sup>حماقت مانند زنی وراج و گستاخ و ابله می‌باشد. <sup>14</sup>او دم در خانه‌اش می‌نشیند و یا در بلندترین مکان شهر می‌ایستد <sup>15</sup>و رهگذرانی را که از آنجا عبور می‌کنند صدا می‌زند <sup>16</sup>و به اشخاص جاهل و نادان می‌گوید: «پیش من بیایید. <sup>17</sup>آب دزدی شیرین است و نان دزدی لذیذ.» <sup>18</sup>آنها نمی‌دانند که عاقبت کسانی که به خانهٔ او می‌روند مرگ و هلاکت است.

## مثلهای سلیمان

10 پسر عاقل پدرش را شاد می‌سازد، اما پسر نادان باعث غم مادرش می‌گردد.

<sup>2</sup>ثروتی که از راه نادرست به دست آمده باشد نفعی به انسان نمی‌رساند، اما درستکاری به او سعادت دائمی می‌بخشد.

<sup>3</sup>خداوند نمی‌گذارد مرد درستکار گرسنگی بکشد و یا مرد شریر به آرزوی خود برسد.

<sup>4</sup>آدمهای تبیل، فقیر می‌شوند، ولی اشخاص فعال ثروتمند می‌گردند.

<sup>5</sup>کسی که بموقع محصول خود را برداشت می‌کند عاقل است، اما کسی که موقع برداشت محصول می‌خواهد مایهٔ ننگ است.

<sup>6</sup>بر سر درستکاران برکت‌هاست، اما وجود بدکاران از ظلم و لعنت پوشیده است. <sup>7</sup>نیکان خاطرهٔ خوبی

<sup>7</sup> آدم خدانشناس وقتی بمیرد همه امیدهایش از بین می‌رود و انتظاری که از قدرتش داشت نقش بر آب می‌شود.

<sup>8</sup> مرد درستکار از تنگنا رهایی می‌یابد و مرد بدکار بجای او گرفتار می‌شود.

<sup>9</sup> حرفهای مرد خدانشناس انسان را به هلاکت می‌کشاند، اما حکمت شخص درستکار او را از هلاکت می‌رهاند.

<sup>10</sup> تمام شهر برای موفقیت آدم خوب شادی می‌کنند و از مرگ آدم بد خوشحال می‌شوند.

<sup>11</sup> از برکت وجود خدانشناسان شهر ترقی می‌کند، اما شرارت بدکاران موجب تباهی آن می‌شود.

<sup>12</sup> کسی که در باره دیگران با تحقیر صحبت می‌کند آدم نادانی است. آدم عاقل جلو زبان خود را می‌گیرد.

<sup>13</sup> خبرچین هر جا می‌رود اسرار دیگران را فاش می‌کند، ولی شخص امین، اسرار را در دل خود مخفی نگه می‌دارد.

<sup>14</sup> بدون رهبری خردمندانه، ملت در زحمت می‌افتد؛ اما وجود مشاوران زیاد امنیت کشور را تضمین می‌کند.

<sup>15</sup> ضامن آدم غریب نشو چون ضرر خواهی دید. اگر می‌خواهی در دسر نیفتی ضامن کسی نشو.

<sup>16</sup> زن نیکو سیرت، عزت و احترام به دست می‌آورد، اما مردان قوی فقط می‌توانند ثروت به چنگ آورند.

<sup>17</sup> مرد رحیم به خودش نفع می‌رساند، اما آدم ستمگر به خودش لطمه می‌زند.

<sup>18</sup> ثروت شخص بدکار، موقتی و ناپایدار است، ولی اجرت آدم خوب جاودانی است.

<sup>19</sup> شخص درستکار از حیات برخوردار می‌شود، اما آدم بدکار بسوی مرگ می‌رود.

<sup>20</sup> خداوند از افراد بدطینت متنفر است، ولی از درستکاران خشنود می‌باشد.

<sup>21</sup> مطمئن باش بدکاران مجازات خواهند شد، اما درستکاران رهایی خواهند یافت.

<sup>22</sup> زیبایی در زن نادان مانند حلقه طلا در پوزه گراز است.

<sup>23</sup> آدم نادان از عمل بد لذت می‌برد و شخص دانا از حکمت.

<sup>24</sup> آنچه بدکاران از آن می‌ترسند بر سرشان می‌آید، اما نیکان به آرزوی خود می‌رسند.

<sup>25</sup> بلا و مصیبت چون گردباد از راه می‌رسد و بدکاران را با خود می‌برد، اما شخص درستکار مانند صخره، پابرجا می‌ماند. <sup>26</sup> هرگز از آدم تبیل نخواه برای تو کاری انجام دهد؛ او مثل دودی است که به چشم می‌رود و مانند سرکه‌ای است که دندان را کند می‌کند.

<sup>27</sup> خدائرسی سالهای عمر انسان را زیاد می‌کند، اما شرارت از عمر او می‌کاهد.

<sup>28</sup> امید درستکاران به شادی می‌انجامد، اما امید بدکاران برباد می‌رود.

<sup>29</sup> خدا برای نیکان قلعه‌ای محافظ است، اما او بدان را هلاک خواهد کرد.

<sup>30</sup> درستکاران همیشه از امنیت برخوردار خواهند بود، اما بدکاران بر زمین، زنده نخواهند ماند.

<sup>31</sup> از دهان درستکاران غنچه‌های حکمت می‌شکفتد، اما زبان دروغگویان از ریشه‌کنده خواهد شد.

<sup>32</sup> افراد درستکار همیشه سخنان خوشایند بر زبان می‌آورند، اما دهان بدکاران از حرفهای نیشدار پر است.

خداوند از قلب و کلاهبرداری متنفر است، ولی درستکاری و صداقت را دوست دارد.

<sup>2</sup> تکبر باعث سرفکندگی می‌شود، پس دانا کسی است که فروتن باشد.

<sup>3</sup> صداقت مرد درستکار راهنمای اوست، اما نادرستی شخص بدکار، او را به نابودی می‌کشاند.

<sup>4</sup> در روز داوری مال و ثروت به داد تو نمی‌رسد، اما صداقت می‌تواند تو را از مرگ برهاند.

<sup>5</sup> صداقت درستکاران راهشان را هموار می‌کند، اما بدکاران در زیر بار سنگین گناهان خود از پا در می‌آیند.

<sup>6</sup> صداقت نیکان آنها را نجات می‌دهد، ولی بدکاران در دام خیانت خود گرفتار می‌شوند.

## 11



<sup>6</sup> حرفهای بدکاران مردم را به دام هلاکت می‌کشاند، اما سخنان نیکان مردم را رهایی می‌بخشد.

<sup>7</sup> بدکاران نابود می‌شوند، اما نیکان پایدار می‌مانند.

<sup>8</sup> آدم عاقل را همه می‌ستایند، اما شخص کوتاه‌فکر را حقیر می‌شمارند.

<sup>9</sup> بهتر است انسان شخص مهمی به حساب نیاید اما زندگی او تأمین باشد تا اینکه خود را آدم بزرگی نشان دهد ولی محتاج نان باشد.

<sup>10</sup> شخص خدانشناس حتی به فکر آسایش حیواناتش نیز هست، اما رحم و مروت خدانشناسان چیزی بجز ستمگری نیست.

<sup>11</sup> هر که در زمین خود زراعت کند نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به بیهودگی بگذراند آدم احمقی است.

<sup>12</sup> اشخاص خدانشناس چشم طمع به اموالی که بدکاران غارت کرده‌اند دارند، در حالیکه خدانشناسان از اموال خود به یکدیگر کمک می‌کنند.

<sup>13</sup> دروغ انسان را در دام گرفتار می‌کند، ولی راستی و صداقت موجب خلاصی می‌گردد.

<sup>14</sup> پاداش تو بستگی به گفتار و رفتار تو دارد. هر چه بکاری همان را درو خواهی کرد.

<sup>15</sup> آدم نادان فکر می‌کند هرکاری می‌کند درست است و احتیاج به نصیحت ندارد، اما شخص دانا به نصایح دیگران گوش می‌دهد.

<sup>16</sup> آدم نادان در مقابل توهین دیگران زود عصبانی می‌شود، ولی شخص دانا خونسردی خود را حفظ می‌کند.

<sup>17</sup> وقتی که حقیقت را می‌گویی عدالت اجرا می‌گردد، اما دروغ به بی‌عدالتی منجر می‌شود.

<sup>18</sup> هستند کسانی که با حرفهای نسنجیده خود زخم زبان می‌زنند، ولی سخنان مرد دانا تسکین دهنده و شفا بخش است.

<sup>19</sup> عمر دروغ کوتاه است، اما حقیقت تا بد پیدار می‌ماند.

<sup>20</sup> افکار توطئه‌گران پر از نیرنگ است، اما دل‌های آنانی که خیراندیش هستند آکنده از شادی می‌باشند.

<sup>21</sup> هیچ بدی به خدانشناسان نمی‌رسد، اما بدکاران همیشه گرفتار بلا می‌شوند.

<sup>22</sup> آرزوی نیکان همیشه برآورده می‌شود، اما خشم خدا در انتظار بدکاران است.

<sup>24</sup> هستند کسانی که با سخاوت خرج می‌کنند و با این وجود ثروتمند می‌شوند؛ و هستند کسانی که بیش از اندازه جمع می‌کنند، اما عاقبت نیازمند می‌گردند.

<sup>25</sup> شخص سخاوتمند کامیاب می‌شود و هر که دیگران را سیراب کند خود نیز سیراب خواهد شد.

<sup>26</sup> کسی که غله‌اش را احتکار می‌کند تا به قیمت گرانتتری بفروشد، مورد نفرین مردم قرار خواهد گرفت، ولی دعای خیر مردم همراه کسی خواهد بود که غله خود را در زمان احتیاج به آنها می‌فروشد.

<sup>27</sup> اگر در پی نیکی باشی مورد لطف خدا خواهی بود، ولی اگر بدبنیان بدی بروی جز بدی چیزی نصیبت نخواهد شد.

<sup>28</sup> کسی که بر ثروت خود تکیه کند خواهد افتاد، اما درستکاران که بر خدا تکیه می‌کنند مانند درخت سبز شکوفه خواهند آورد.

<sup>29</sup> شخص نادانی که باعث ناراحتی خانواده‌اش می‌شود سرانجام هستی خود را از دست خواهد داد و برده دانایان خواهد شد.

<sup>30</sup> ثمره کار خدانشناسان حیات‌بخش است و تمام کسانی که مردم را بسوی نجات هدایت می‌کنند دانا هستند.

<sup>31</sup> اگر درستکاران پاداش اعمال خود را در این دنیا می‌یابند، بدون شک گناهکاران و بدکاران نیز بسزای اعمال خود می‌رسند.

کسی می‌تواند دانا شود که تأدیب را دوست داشته باشد. هر که از اصلاح شدن نفرت داشته باشد احمق است.

<sup>2</sup> خداوند از اشخاص نیک خوشنود است، اما کسانی را که نقشه‌های پلید می‌کشند محکوم می‌کند.

<sup>3</sup> انسان با کارهای بد نمی‌تواند برای خود امنیت به وجود آورد، اما اشخاص درستکار پابرجا خواهند ماند.

<sup>4</sup> زن خوب، تاج سر شوهرش است، ولی زن بی‌حیا مانند خوره جان او را می‌خورد.

<sup>5</sup> انسان خوب فکرش پر از درستکاری است، اما فکر آدم بدکار انباشته از دروغ و نیرنگ است.

<sup>9</sup>زندگی شخص نیک مانند چراغی نورانی می‌درخشد، ولی زندگی گناهکاران مثل چراغی است که در حال خاموشی است.

<sup>10</sup>تکبر باعث نزاع می‌شود، ولی شخص دانا نصیحت را می‌پذیرد.

<sup>11</sup>ثروتی که از راه نادرست به دست بیاید طولی نمی‌کشد که از دست می‌رود؛ اما دارایی که با کار و کوشش جمع شود، بتدریج زیاد می‌گردد.

<sup>12</sup>آرزویی که انجام آن به تعویق افتاده باشد دل را بیمار می‌کند، اما برآورده شدن مراد، شادی و حیات می‌بخشد.

<sup>13</sup>هر که دستوری را که به او داده‌اند خوار بشمارد بی‌سزا خواهد ماند، اما آنکه آن را اطاعت کند پادشاه خواهد یافت.

<sup>14</sup>تعلیم مرد دانا چشمه حیات است و شخص را از دامهای مرگ می‌رهاند.

<sup>15</sup>دانایی، احترام می‌آورد ولی خیانت به هلاکت منتهی می‌شود.

<sup>16</sup>مرد دانا سنجیده عمل می‌کند، اما آدم نادان حماقت خود را بروز می‌دهد.

<sup>17</sup>اقتصادی که قابل اعتماد نباشد باعث گرفتاری می‌شود، اما پیک امین موجب آرامش است.

<sup>18</sup>فقر و رسوایی دامنگیر کسی می‌شود که تادیب را نمی‌پذیرد، اما شخصی که آن را بپذیرد مورد احترام واقع خواهد شد.

<sup>19</sup>برآورده شدن آرزوها لذتبخش است، اما افراد نادان در پی آرزوهای ناپاک خود هستند و نمی‌خواهند از آنها دست بردارند.

<sup>20</sup>با اشخاص دانا معاشرت کن و دانا خواهی شد، با احقران بنشین و زبان خواهی دید.

<sup>21</sup>بلا دامنگیر گناهکاران می‌شود، اما چیزهای خوب نصیب نیکان می‌گردد.

<sup>22</sup>شخص نیک حتی برای نوه‌هایش میراث باقی می‌گذارد، اما ثروتی که گناهکاران اندوخته‌اند به درستیگان می‌رسد.

<sup>23</sup>زمین آدم فقیر ممکن است محصول فراوان بدهد، ولی ظالمان آن را از چنگ او در می‌آورند.

<sup>22</sup>خدا کسانی را که به قول خود وفا می‌کنند دوست دارد، ولی از اشخاص بدقول بیزار است.

<sup>23</sup>آدم عاقل علم و دانش خود را به نمایش نمی‌گذارد، ولی شخص نادان حماقت خود را آشکار می‌سازد.

<sup>24</sup>کار و کوشش، انسان را به قدرت می‌رساند؛ اما تنبلی، او را نوکر دیگران می‌سازد.

<sup>25</sup>غم و غصه انسان را گرانبار می‌کند، اما سخن دلگرم‌کننده او را سبکبار و شاد می‌سازد.

<sup>26</sup>شخص درستکار مردم را به راه راست هدایت می‌کند، اما آدم بدکار آنها را منحرف می‌سازد.

<sup>27</sup>آدم تنبل حتی دنبال شکار خود نیز نمی‌رود. تلاش و کوشش، گنج گرانبهای انسان است.

<sup>28</sup>راهی که خدانشناسان در آن گام بر می‌دارند به حیات منتهی می‌شود و در آن مرگ نیست.

جوان عاقل تادیب پدر خود را می‌پذیرد، ولی جوانی که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرد از پذیرفتن آن سر باز می‌زند.

<sup>2</sup>سخنان مرد نیک حتی برای خود او نیکوست و جانش را سیر می‌کند، اما شخص بداندیش فقط نشئه ظلم است.

<sup>3</sup>هر که زبان خود را نگه دارد جان خود را حفظ می‌کند، اما کسی که سنجیده سخن بگوید خود را هلاک خواهد کرد.

<sup>4</sup>آدم تنبل آنچه را که آرزو می‌کند به دست نمی‌آورد، اما شخص کوشا کامیاب می‌شود.

<sup>5</sup>شخص درستکار از دروغ گفتن نفرت دارد، اما آدم دروغگو رسوا و خوار می‌شود.

<sup>6</sup>صدافت درستکاران آنها را حفظ می‌کند، اما شرارت بدکاران آنها را به نابودی می‌کشاند.

<sup>7</sup>هستند کسانی که وانمود می‌کنند ثروتمندند در حالیکه چیزی ندارند، و هستند کسانی که خود را فقیر نشان می‌دهند اما صاحب ثروت هنگفتی می‌باشند.

<sup>8</sup>ثروت شخص پولدار صرف حفاظت جان او می‌شود، اما جان آدم فقیر را خطری تهدید نمی‌کند.

## 13

<sup>15</sup> آدم ساده لوح هر حرفی را باور می‌کند، اما شخص زیرک سنجیده رفتار می‌نماید. <sup>16</sup> شخص دانا محتاط است و از خطر دوری می‌کند، ولی آدم نادان از روی غرور، خود را به خطر می‌اندازد.

<sup>17</sup> آدم تندخو کارهای احمقانه می‌کند و شخص حیل‌مگر مورد نفرت قرار می‌گیرد.

<sup>18</sup> حماقت نصیب جاهلان می‌شود و دانایی نصیب زیرکان.

<sup>19</sup> بدکاران عاقبت در برابر نیکان سر تعظیم فرود خواهند آورد و محتاج آنان خواهند شد.

<sup>20</sup> ثروتمندان دوستان بسیار دارند، اما شخص فقیر را حتی همسایه‌هایش تحقیر می‌کنند.

<sup>21</sup> خوار شمردن فقرا گناه است. خوشبحال کسی که بر آنها ترحم کند.

<sup>22</sup> کسانی که نقشه‌های پلید در سر می‌پروراند گمراه خواهند شد، ولی آنانی که نیت خوب دارند مورد محبت و اعتماد قرار خواهند گرفت.

<sup>23</sup> کسی که زحمت می‌کشد منفعت عایدش می‌شود، ولی آنکه فقط حرف می‌زند فقیر خواهد شد.

<sup>24</sup> ثروت نصیب دانایان خواهد شد، اما پاداش احمقان حماقت ایشان است.

<sup>25</sup> شاهد راستگو جان مردم را نجات می‌دهد، اما شاهد دروغگو به مردم خیانت می‌کند.

<sup>26</sup> کسی که از خداوند می‌ترسد تکیه‌گاه محکمی دارد و فرزندانش در امان خواهند بود.

<sup>27</sup> خداترسی چشمهٔ حیات است و انسان را از دامهای مرگ دور نگه می‌دارد.

<sup>28</sup> عظمت یک پادشاه بستگی به تعداد مردمی دارد که بر آنها فرمان می‌رانند. پادشاه بدون ملت نابود می‌شود.

<sup>29</sup> کسی که صبر و تحمل دارد شخص بسیار عاقلی است، اما از آدم تندخو حماقت سر می‌زند.

<sup>30</sup> آرامش فکر به بدن سلامتی می‌بخشد، اما حسادت مانند خوره جان را می‌خورد.

<sup>31</sup> هر که به فقرا ظلم کند به آفرینندهٔ آنها اهانت کرده است و هر که به فقرا ترحم نماید، به خدا احترام گذاشته است.

<sup>24</sup> کسی که فرزند خود را تنبیه نمی‌کند او را دوست ندارد، اما کسی که فرزندش را دوست دارد از تادیب او کوتاهی نمی‌کند.

<sup>25</sup> شخص درستکار از خوراکی که دارد می‌خورد و سیر می‌شود، ولی آدم بدکار گرسنگی می‌کشد.

14 زن دانا خانه خود را بنا می‌کند، اما زن نادان بادست خود خانه‌اش را خراب می‌کند.

<sup>2</sup> کسانی که به راستی عمل می‌کنند به خداوند احترام می‌گذارند، ولی اشخاص بدکار او را تحقیر می‌کنند.

<sup>3</sup> احمق چوب حرفهای متکبرانهٔ خود را می‌خورد، ولی سخنان مرد دانا او را محافظت می‌کند.

<sup>4</sup> اگر در طویله گاو نباشد، طویله تمیز می‌ماند، اما بدون گاو نمی‌توان محصول زیادی به دست آورد.

<sup>5</sup> شاهد امین دروغ نمی‌گوید، ولی از دهان شاهد ناراست دروغ می‌بارد.

<sup>6</sup> کسی که همه چیز را به باد مسخره می‌گیرد هرگز نمی‌تواند حکمت پیدا کند، اما شخص فهیم به آسانی آن را به دست می‌آورد.

<sup>7</sup> از احمقان دوری کن زیرا چیزی ندارند به تو یاد دهند.

<sup>8</sup> حکمت شخص عاقل راهنمای اوست، اما حماقت احمقان باعث گمراهی آنان می‌شود.

<sup>9</sup> آدمهای احمق با گناه بازی می‌کنند، اما درستکاران رضایت خدا را می‌طلبند.

<sup>10</sup> تنها دل خود شخص است که تلخی جان او را احساس می‌کند و در شادی او نیز کسی جز خودش نمی‌تواند سهیم باشد.

<sup>11</sup> خانهٔ بدکاران خراب می‌شود، اما خیمهٔ درستکاران وسعت می‌یابد.

<sup>12</sup> راهپایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

<sup>13</sup> خنده نمی‌تواند اندوه دل را پنهان سازد؛ هنگامی که خنده پایان می‌یابد، درد و اندوه بر جای خود باقی می‌ماند.

<sup>14</sup> آدم خدانشناس نتیجهٔ کارهای خود را خواهد دید و شخص نیک از ثمرهٔ اعمال خویش بهره خواهد برد.

<sup>13</sup>دل شاد، چهره را شاداب می‌سازد، اما تلخی دل، روح را افسرده می‌کند.

<sup>14</sup>شخص دانا تشنهٔ دانایی است، اما نادان خود را با حماقت سیر می‌کند.

<sup>15</sup>انسان وقتی غمگین است همه چیز بنظرش بد می‌آید، اما وقتی دلش شاد است هر چیزی او را خوشحال می‌کند.

<sup>16</sup>دارایی کم همراه با خداترسی بهتر است از ثروت هنگفت با اضطراب.

<sup>17</sup>ان خشک خوردن در جایی که محبت هست، بهتر است از غذای شاهانه خوردن در جایی که نفرت وجود دارد.

<sup>18</sup>آدم تندخو نزاع به پا می‌کند، ولی شخص صبور دعوا را فرو می‌نشاند.

<sup>19</sup>راه آدم تنبلی با خارها پوشیده است، اما راه شخص درستکار هموار است.

<sup>20</sup>فرزند دانا پدرش را خوشحال می‌کند، اما فرزند احمق مادرش را تحقیر می‌نماید.

<sup>21</sup>آدم احمق از کارهای ابلهانه لذت می‌برد، اما شخص فهیمه از راه راست منحرف نمی‌شود.

<sup>22</sup>تشنه‌ای که بدون مشورت کشیده شود، با شکست مواجه می‌گردد، اما مشورت بسیار، باعث موفقیت می‌شود.

<sup>23</sup>انسان وقتی جواب درست می‌دهد از آن لذت می‌برد. چه عالی است سخنی که بجا گفته شود!

<sup>24</sup>راه دانیان بسوی حیات بالا می‌رود و آنها را از فرو رفتن به جهنم باز می‌دارد.

<sup>25</sup>خداوند خانه متکبران را از بین می‌برد، اما ملک بیوه زنان را حفظ می‌کند.

<sup>26</sup>خداوند از نقشه‌های پلید متنفر است، ولی افکار پاک مورد پسند او می‌باشند.

<sup>27</sup>کسی که دنبال سود نامشروع می‌رود به خانواده‌اش لطمه می‌زند، اما شخصی که از رشوه نفرت دارد زندگی خوبی خواهد داشت.

<sup>28</sup>آدم خوب قبل از جواب دادن فکر می‌کند، اما آدم بد زود جواب می‌دهد و مشکلات به بار می‌آورد.

<sup>32</sup>خدانشناسان وقتی بمیرند پناهگاهی دارند، اما گناهکاران بوسیله گناهان خودشان تباه می‌شوند.

<sup>33</sup>شخص فهیمه حکمت را در دل خود حفظ می‌کند، اما آدمهای نادان آن را به نمایش می‌گذارند.

<sup>34</sup>درستکاری مایه سرفرازی یک قوم است و گناه مایه رسوایی آن.

<sup>35</sup>پادشاه از خدمتگزاران کاردان خشنود می‌گردد، ولی کسانی که در درس ایجاد می‌کنند مورد غضب او واقع می‌شوند.

## 15

جواب ملایم خشم را فرو می‌نشاند، اما جواب تند آن را بر می‌انگیزاند.

<sup>2</sup>از زبان مرد دانا حکمت می‌چکد، اما از دهان آدم نادان حماقت بیرون می‌آید.

<sup>3</sup>خدا همه جا را زیر نظر دارد و ناظر اعمال نیکان و بدان است.

<sup>4</sup>سخنان آرامش‌بخش حیات می‌بخشد، اما حرفهای تند باعث دلشکستگی می‌شوند.

<sup>5</sup>شخص نادان نصیحت پدر خود را خوار می‌شمارد، ولی فرزند عاقل تأدیب پدرش را می‌پذیرد.

<sup>6</sup>خانهٔ شخص درستکار از ثروت مملو است، اما دسترنج آدمهای بدکار برای ایشان تلخکامی به بار می‌آورد.

<sup>7</sup>حکمت توسط دانیان منتشر می‌شود نه بوسیلهٔ احمقانی که در آنها راستی نیست.

<sup>8</sup>خداوند از قربانی‌های بدکاران نفرت دارد، اما از دعای درستکاران خشنود است.

<sup>9</sup>خداوند از اعمال بدکاران متنفر است، اما پیروان راستی را دوست می‌دارد.

<sup>10</sup>کسانی که راه راست را ترک گفته‌اند تنبیه سختی در انتظارشان است و اگر نخواهند تنبیه و اصلاح شوند خواهند مرد.

<sup>11</sup>حتی دنیای مردگان از نظر خداوند پنهان نیست، پس آیا انسان می‌تواند افکارش را از او پنهان کند؟

<sup>12</sup>کسی که کارش مسخره کردن است از نزدیک شدن به افراد دانا خودداری می‌کند چون دوست ندارد سرزنش آنها را بشنود.

<sup>11</sup> خداوند می‌خواهد در معاملات خود از ترازو و سنگهای درست استفاده کند. این اصل را خداوند بر قرار کرده است.

<sup>12</sup> پادشاهان نمی‌توانند ظلم کنند، زیرا تخت سلطنت از عدالت برقرار می‌ماند.

<sup>13</sup> پادشاهان اشخاص راستگو را دوست دارند و از وجود ایشان خشنود می‌شوند.

<sup>14</sup> خشم پادشاه پیک مرگ است ولی مرد عاقل آن را فرو می‌نشانند.

<sup>15</sup> شادی و رضایت پادشاه مانند ابر بهاری است که حیات به ارمغان می‌آورد.

<sup>16</sup> به دست آوردن حکمت و دانایی بهتر است از اندوختن طلا و نقره.

<sup>17</sup> راه دانشانسان دور از هر نوع بدی است و هر که در این راه گام بردارد جان خود را حفظ خواهد کرد.

<sup>18</sup> غرور منجر به هلاکت می‌شود و تکبر به سقوط می‌انجامد.

<sup>19</sup> بهتر است انسان متواضع باشد و با ستم‌دیدگان بنشیند تا اینکه میان متکبران باشد و در غنایم آنها سهیم شود.

<sup>20</sup> آنانی که کلام خداوند را اطاعت کنند سعادت‌مند خواهند شد و کسانی که بر او توکل نمایند برکت خواهند یافت.

<sup>21</sup> دانا را از فهمش می‌شناسند و عالم را از سخنان دلنشینش.

<sup>22</sup> حکمت برای کسانی که از آن برخوردارند چشمه حیات است، ولی حماقت برای نادانان مجازات به بار می‌آورد.

<sup>23</sup> سخنان شخص دانا عاقلانه است و تعالیمی که او می‌دهد مؤثر می‌باشد.

<sup>24</sup> سخنان محبت‌آمیز مانند عسل شیرین است و جان انسان را شفا می‌بخشد.

<sup>25</sup> راه‌هایی هستند که بنظر انسان راست می‌آیند، اما عاقبت به مرگ منتهی می‌شوند.

<sup>26</sup> گرسنگی خوب است زیرا تو را وادار می‌کند که برای رفع آن کار کنی.

<sup>29</sup> خداوند از بدکاران دور است، ولی دعای نیکان را می‌شنود.

<sup>30</sup> دیدن صورت شاد و شنیدن خبر خوش به انسان شادی و سلامتی می‌بخشد.

<sup>31</sup> کسی که انتقادهای سازنده را بپذیرد، جزو دانایان به حساب خواهد آمد.

<sup>32</sup> کسی که تأدیب را نپذیرد به خودش لطمه می‌زند، ولی هر که آن را بپذیرد دانایی کسب می‌کند.

<sup>33</sup> خداترسی به انسان حکمت می‌آموزد و فروتنی برای او عزت و احترام به بار می‌آورد.

انسان نقشه‌های زیادی می‌کشد، اما نتیجه نهای آنها در دست خداست.

## 16

<sup>2</sup> تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، اما انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند.

<sup>3</sup> نقشه‌های خود را به دست خداوند بسپار، آنگاه در کارهایت موفق خواهی شد.

<sup>4</sup> خداوند هر چیزی را برای هدف و منظوری خلق کرده است. او حتی بدکاران را برای مجازات آفریده است.

<sup>5</sup> خداوند از اشخاص متکبر نفرت دارد و هرگز اجازه نخواهد داد آنها از مجازات فرار کنند.

<sup>6</sup> درستکار و با محبت باش که خدا گناهت را خواهد بخشید. از خداوند بترس که بدی از تو دور خواهد شد.

<sup>7</sup> وقتی کسی خدا را خشنود می‌سازد، خدا کاری می‌کند که حتی دشمنان آن شخص نیز با وی از در صلح و آشتی در آیند.

<sup>8</sup> مال کم که از راه درست به دست آمده باشد بهتر است از ثروت هنگفتی که از راه نادرست فراهم شده باشد.

<sup>9</sup> انسان در فکر خود نقشه‌ها می‌کشد، اما خداوند او را در انجام آنها هدایت می‌کند.

<sup>10</sup> فرمان پادشاه مانند وحی قطعی است، پس او نیاید در داوری اشتباه کند.

<sup>10</sup> یک ملامت به شخص فهیم اثرش بیشتر است از صد ضربه شلاق به آدم احمق.

<sup>11</sup> بدکاران فقط در پی باغیگری هستند بنابراین شدت مجازات خواهند شد.

<sup>12</sup> روبرو شدن با ماده خرسی که بچه‌هایش را از او گرفته‌اند بهتر است از روبرو شدن با شخص نادانی که گرفتار حماقت شده است.

<sup>13</sup> اگر خوبی را با بدی تلافی کنی، بلا از خانه‌ات دور نخواهد شد.

<sup>14</sup> شروع کردن دعوا مانند ایجاد رخنه در سد آب است، پس جر و بحث را ختم کن پیش از آنکه به دعوا منجر شود.

<sup>15</sup> خداوند از کسانی که بی‌گناه را محکوم و گناهکار را تبرئه می‌کنند متنفر است.

<sup>16</sup> صرف پول برای آموزش آدم احمق بی‌فایده است، زیرا او طالب حکمت نیست.

<sup>17</sup> دوست واقعی در هر موقعیتی محبت می‌کند و برادر برای کمک بهنگام گرفتاری تولد یافته است.

<sup>18</sup> فقط شخص کم عقل است که ضامن شخص دیگری می‌شود.

<sup>19</sup> شخص سبزی‌مجو گناه را دوست دارد و آدم بلند پرواز خرابی به بار می‌آورد.

<sup>20</sup> شخص بداندیش کامیاب نخواهد شد و آدم فریبکار در دام بلا گرفتار خواهد گردید.

<sup>21</sup> فرزندان احمق مایه غم و غصه والدینش می‌باشند.

<sup>22</sup> شادی دل مانند دارو شفابخش است اما روح پژمرده انسان را بیمار می‌کند.

<sup>23</sup> آدم بدکار پنهانی رشوه می‌گیرد و مانع اجرای عدالت می‌شود.

<sup>24</sup> هدف مردان عاقل تحصیل حکمت است، اما شخص نادان در زندگی هیچ هدفی ندارد.

<sup>25</sup> پسر احمق مایه غصه پدر و تلخکامی مادر است.

<sup>26</sup> مجازات کردن نیکان و تنبیه نمودن اشخاص نجیب بخاطر صداقتشان، کار نادرستی است.

<sup>27</sup> شخص دانا پرحرفی نمی‌کند و آدم فهیمه آرام و صبور است. <sup>28</sup> آدم احمق نیز اگر سکوت کند و حرف نزند او را دانا و فهیم می‌شمارند.

<sup>27</sup> آدم بدکار نقشه‌های پلید می‌کشد و سخنانش مثل آتش می‌سوزاند.

<sup>28</sup> شخص بداندیش نزاع به پا می‌کند و آدم سخن چین بهترین دوستان را از هم جدا می‌نماید.

<sup>29</sup> آدم ظالم همسایه‌اش را فریب می‌دهد و او را به راه نادرست می‌کشاند.

<sup>30</sup> شخص بدکار چشمان خود را می‌بندد و لب‌هایش را جمع می‌کند تا برای انجام مقاصد پلید خود نقشه بکشد.

<sup>31</sup> عمر طولانی هدیه‌ای است که به نیکان داده می‌شود و موی سفید تاج زیبایی آنهاست.

<sup>32</sup> صبر از قدرت بهتر است و کسی که بر خود مسلط باشد از شخصی که شهری را تسخیر نماید برتر است.

<sup>33</sup> انسان قرعه را می‌اندازد، اما حکم آن را خداوند تعیین می‌کند.

17 خوردن نان خشک در آرامش بهتر است از خوردن غذای شاهانه در خانه‌ای که در آن جنگ و دعوا است.

<sup>1</sup> برده دانا بر پسر شرور ارباب خود تسلط خواهد یافت و در ارثی که به او می‌رسد شریک خواهد شد.

<sup>2</sup> طلا و نقره را آتش می‌آزماید و دل انسان را خدا.

<sup>3</sup> آدم بدکار از همنشینی با آدمهای بد لذت می‌برد و آدم دروغگو از همنشینی با اشخاص دروغگو.

<sup>4</sup> مسخره کردن فقرا به منزله مسخره کردن خدایی است که ایشان را آفریده است. کسانی که از غم و بدبختی دیگران شاد می‌شوند بی‌سزا خواهند ماند.

<sup>5</sup> تاج افتخار پیران نوه‌های ایشان می‌باشند و تاج افتخار فرزندان، پدران ایشان.

<sup>6</sup> شخص نجیب هرگز دروغ نمی‌گوید و آدم احمق هرگز سخن با ارزش بر زبان نمی‌آورد.

<sup>7</sup> رشوه در نظر دهنده آن مثل سنگ جادوست که او را در هر کاری موفق می‌سازد.

<sup>8</sup> کسی که اشتباهات دیگران را می‌پوشاند محبت ایجاد می‌کند، اما آدمی که آنها را افشا می‌کند باعث جدایی دوستان می‌گردد.

<sup>19</sup> به دست آوردن دل برادر رنجیده، سخت‌تر از تصرف یک شهر حصاردار است. منازعه بین دو برادر، دیوار جدایی ایجاد می‌کند.

<sup>20</sup> انسان نتیجهٔ حرفهایی را که از دهانش بیرون می‌آید خواهد دید. <sup>21</sup> زبان انسان می‌تواند جان او را حفظ کند یا آن را بر باد دهد؛ بنابراین او عواقب حرفهایش را خواهد دید.

<sup>22</sup> وقتی مردی همسری پیدا می‌کند نعمتی می‌یابد. آن زن برای او برکتی است از جانب خداوند.

<sup>23</sup> درخواست فقرا با التماس توأم است و پاسخ ثروتمندان با خشونت.

<sup>24</sup> هستند دوستانی که انسان را به نابودی می‌کشاند، اما دوستی هم هست که از برادر نزدیکتر است.

**19** بهتر است انسان فقیر باشد و با صداقت زندگی کند تا اینکه از راه نادرست ثروتمند شود.

<sup>2</sup> داشتن دل و جرأت بدون حکمت بی‌فایده است و عجله باعث اشتباه می‌شود.

<sup>3</sup> انسان با حماقتش زندگی خود را تباه می‌کند و بعد تقصیر را به گردن خداوند می‌اندازد.

<sup>4</sup> شخص ثروتمند دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما وقتی کسی فقیر می‌شود هیچ دوستی برایش باقی نمی‌ماند.

<sup>5</sup> شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که دایم دروغ می‌یافتد جان سالم بدر نخواهد برد.

<sup>6</sup> مردم دوست دارند پیش بزرگان، خود شیرینی کنند و با کسانی دوست شوند که بذل و بخشش می‌کنند.

<sup>7</sup> وقتی انسان فقیر شود حتی برادرانش او را ترک می‌کنند چه رسد به دوستانش، و تلاش او برای باز یافتن آنها بجایی نمی‌رسد.

<sup>8</sup> هر که در پی حکمت است جانش را دوست دارد و آنکه برای حکمت ارزش قایل شود سعادتمند خواهد شد.

<sup>9</sup> شاهد دروغگو بی‌سزا نمی‌ماند و کسی که دایم دروغ می‌یافتد هلاک خواهد شد.

<sup>10</sup> شایسته نیست که آدم احقر در ناز و نعمت زندگی کند و یا یک برده بر امیران حکومت راند.

**18** آدم خودخواه خود را از دیگران کنار می‌کشد و با عقاید درستشان مخالفت می‌ورزد.

<sup>2</sup> آدم احقر برای حکمت ارزش قایل نیست و فقط دوست دارد خود را دانا نشان دهد.

<sup>3</sup> گناه ننگ و رسوایی به بار می‌آورد.

<sup>4</sup> سخنان شخص دانا مانند اقیانوس عمیق است و مثل چشمه گوارا.

<sup>5</sup> طرفداری از مجرم که باعث می‌شود حق بی‌گناه پایمال شود کار نادرستی است. <sup>6</sup> حرفهای آدم احقر، منجر به نزاع و کتک خوردنش می‌شود.

<sup>7</sup> سخنان احقر چون دومی است که او را به هلاکت می‌کشاند.

<sup>8</sup> حرفهای آدم سخن‌چین مانند لقمه‌های لذیذی است که با لذت بلعیده می‌شود.

<sup>9</sup> کسی که در کار سستی می‌کند به اندازهٔ یک خرابکار مخرب است.

<sup>10</sup> اسم خداوند قلعه‌ای است محکم که شخص درستکار به آن پناه می‌برد و در امان می‌ماند؛ <sup>11</sup> اما پناهگاه ثروتمندان ثروت ایشان است که گمان می‌کنند آنها را محافظت خواهد نمود.

<sup>12</sup> تکبر به سقوط می‌انجامد و فروتنی به سر بلندی.

<sup>13</sup> چقدر زشت و ابلهانه است که انسان قبل از گوش دادن به سخنی، به آن جواب دهد.

<sup>14</sup> وقتی انسان روحیه‌اش قوی است بیماری را تحمل می‌کند، اما روحیهٔ شکسته را چه کسی می‌تواند تحمل کند؟

<sup>15</sup> اشخاص دانا همیشه مشتاق و آماده کسب حکمتند.

<sup>16</sup> هدیه دادن راه را برای انسان باز می‌کند و او را بحضور اشخاص مهم می‌رساند.

<sup>17</sup> دلایل کسی که در دادگاه اول صحبت می‌کند بنظر درست می‌آید ولی این تا زمانی است که طرف مقابل هنوز دلایلش را ارائه نداده باشد.

<sup>18</sup> اقرعه، دعوا را می‌خواباند و به منازعهٔ بین حریفان زورمند خاتمه می‌دهد.

<sup>26</sup>پسری که با پدرش بدرفتاری می‌کند و مادرش را از خانه بیرون می‌راند، مایه ننگ و رسوایی است.  
<sup>27</sup>پسرم، از گوش دادن به تعلیمی که تو را از حکمت دور می‌کند خودداری نما.  
<sup>28</sup>شاهد پست و فرومایه عدالت را به بازی می‌گیرد و از گناه کردن لذت می‌برد.  
<sup>29</sup>مسخرکنندگان و احمقان، شدیداً مجازات خواهند شد.

## 20

شراب انسان را به کارهای احمقانه و می‌دارد و مشروب باعث عربدهکشی می‌شود؛ چه احمقند افرادی که خود را اسیر مشروب می‌کنند.  
<sup>2</sup>غضب پادشاه همچون غرش شیر است. هر که خشم او را برانگیزاند جان خود را به خطر می‌اندازد.  
<sup>3</sup>اجتناب از نزاع برای شخص، عزت می‌آورد. فقط آدمهای احمق هستند که نزاع به پا می‌کنند.  
<sup>4</sup>آدم تنبل بموقع زمینش را شخم نمی‌زند، بنابراین در هنگام برداشت محصول هر چه می‌گردد چیزی نمی‌یابد.  
<sup>5</sup>پند نیکو در اعماق دل مشورت دهنده مانند آب در ته چاه است و شخص فهمیده آن را بیرون می‌کشد.  
<sup>6</sup>بسیارند کسانی که ادعا می‌کنند خوب و باوفا هستند، ولی کیست که بتواند آدم واقعاً باوفایی پیدا کند؟  
<sup>7</sup>فرزندان شخص امین و درستکار در زندگی سعادتمند خواهند شد.  
<sup>8</sup>پادشاهی که بر مسند قضاوت می‌نشیند بدقت جوانب امر را می‌سنجد و حق را از باطل تشخیص می‌دهد.  
<sup>9</sup>کیست که بتواند بگوید: «دل خود را پاک نگه داشته‌ام و از گناه مبرا هستم.»  
<sup>10</sup>خداوند از اشخاصی که در داد و ستد از وزنه‌ها و پیمانه‌های نادرست استفاده می‌کنند متنفر است.  
<sup>11</sup>حتی کودک را می‌توان از طرز رفتارش شناخت و فهمید که آنچه انجام می‌دهد پاک و درست است یا نه.

<sup>11</sup>کسی که خشم خود را فرو می‌نشانند عاقل است و آنکه از تقصیرات دیگران چشم‌پوشی می‌کند سرافراز خواهد شد.  
<sup>12</sup>غضب پادشاه مانند غرش شیر است، اما خشنودی او مثل شبنمی است که بر سبزه می‌نشیند.  
<sup>13</sup>فرزند نادان بلای جان پدرش است و غرغرای زن بهانه‌گیر مثل قطرات آبی است که دایم در حال چکیدن می‌باشند.  
<sup>14</sup>خانه و ثروت از اجداد به ارث می‌رسد، اما زن عاقل بخشش خداوند است.  
<sup>15</sup>کسی که تنبل است و زیاد می‌خواهد، گرسنه می‌ماند.  
<sup>16</sup>احکام خدا را نگهدار تا زنده بمانی، زیرا هر که آنها را خوار بشمارد خواهد مرد.  
<sup>17</sup>وقتی به فقیر کمک می‌کنی مثل این است که به خداوند قرض می‌دهی و خداوند است که قرض تو را پس خواهد داد.  
<sup>18</sup>فرزند خود را تا دیر نشده تربیت کن؛ اگر غفلت نمایی زندگی او را تباہ خواهی کرد.  
<sup>19</sup>اگر کسی تندخویی می‌کند بگذار عواقبش را ببیند و مانع او نشو، چون در غیر اینصورت او به تندخویی خود ادامه خواهد داد.  
<sup>20</sup>اگر به پند و اندرز گوش دهی تا آخر عمرت از حکمت برخوردار خواهی بود.  
<sup>21</sup>انسان نقشه‌های زیادی در سر می‌پروراند، اما نقشه‌هایی که مطابق با خواست خدا باشد اجرا خواهد شد.  
<sup>22</sup>مهربانی شخص باعث محبوبیت او می‌شود. بهتر است شخص فقیر باشد تا اینکه با نادرستی زندگی کند.  
<sup>23</sup>خداترسی به انسان حیات می‌بخشد و او را کامیاب گردانده از هر بلایی محفوظ می‌دارد.  
<sup>24</sup>آدم تنبل دستش را بطرف بشقاب دراز می‌کند، ولی از فرط تنبلی لقمه را به دهان خود نمی‌گذارد.  
<sup>25</sup>مسخره کننده را تنبیه کن تا مایه عبرت جاهلان شود. اشتباهات شخص فهمیده را به او گوشزد نما تا فهمیدتر شود.



<sup>10</sup>تنبیه برای بدن دردناک است اما دل را از بدی پاک می‌کند.

دل پادشاه در دست خداوند است، او آن را  
**21** مانند آب جوی، به هر سو که بخواهد  
 هدایت می‌کند.

<sup>2</sup>تمام کارهای انسان بنظر خودش درست است، اما  
 انگیزه‌ها را خداوند می‌بیند.

<sup>3</sup>به جا آوردن عدالت و انصاف بیشتر از تقدیم  
 قربانی‌ها خداوند را خشنود می‌سازد.

<sup>4</sup>غرور و تکبر گناهمانی هستند که آدم بدکار توسط  
 آنها شناخته می‌شود.

<sup>5</sup>زیرکی و کوشش، انسان را توانگر می‌کند، اما  
 شنازدگی باعث فقر می‌شود.

<sup>6</sup>گروتی که از راه نادرست به دست آید، هرگز دوام  
 نمی‌آورد. پس چرا باید در این راه جان خود را به  
 خطر بیندازی؟

<sup>7</sup>ظلم بدکارانی که نمی‌خواهند راستی را به جا  
 آورند، عاقبت بسوی خودشان باز می‌گردد و آنان را  
 نابود می‌کند.

<sup>8</sup>راه آدم گناهکار کج است ولی شخص پاک در  
 راستی گام بر می‌دارد.

<sup>9</sup>سکونت در گوشه پشت بام بهتر است از زندگی  
 کردن با زن سنیز مجور در یک خانه مشترک.

<sup>10</sup>آدم بدکار ظلم را دوست دارد و حتی همسایه‌اش از  
 دست او در امان نیست.

<sup>11</sup>جاهلان تا تنبیه شدن مسخرمکنندگان را نبینند  
 درس عبرت نمی‌گیرند، اما دانایان تنها با شنیدن  
 می‌آموزند.

<sup>12</sup>خداشناسان از مشاهده خراب شدن خانه بدکاران  
 و هلاکت ایشان پند می‌گیرند.

<sup>13</sup>آنکه فریاد فقیران را نشنیده می‌گیرد در روز  
 تنگدستی خود نیز فریادرسی نخواهد داشت.

<sup>14</sup>هدیه‌ای که در خفا داده می‌شود خشم را می‌خواباند  
 و رشوه پنهانی غضب شدید را فرو می‌نشاند.

<sup>15</sup>اجرای عدالت برای آدم درستکار شادی‌بخش  
 است، اما برای آدم بدکار مصیبت‌بار.

<sup>12</sup>گوش شنوا و چشم بینا، هر دو بخشش خداوند  
 هستند.

<sup>13</sup>اگر خواب را دوست داشته باشی فقیر می‌شوی؛  
 پس بیدار بمان تا سیر شوی.

<sup>14</sup>خریدار به جنس نگاه می‌کند و می‌گوید: «بد  
 است!» اما بعد از اینکه آن را خرید از آن تعریف  
 می‌کند.

<sup>15</sup>سخنان حکیمانه گرانباتر از طلا و نادرتر از  
 جواهر است.

<sup>16</sup>از کسی که نزد تو ضامن شخص غریبی می‌شود  
 گرو بگیر.

<sup>17</sup>نانی که از راه کلاهبرداری به دست می‌آید لذیذ  
 است، اما سرانجام کام را تلخ می‌کند.

<sup>18</sup>نقشه‌هایت را بدون مشورت با دیگران عملی نکن  
 و بدون تدبیر به جنگ نرو.

<sup>19</sup>آدم سخن‌چین رازها را فاش می‌کند، پس با چنین  
 شخصی معاشرت نکن.

<sup>20</sup>چراغ زندگی کسی که پدر و مادر خود را لعنت  
 کند، خاموش خواهد شد.

<sup>21</sup>مالی که آسان به دست آمده باشد برکتی نخواهد  
 داشت.

<sup>22</sup>بدی را با بدی تلافی نکن، بلکه منتظر باش تا  
 خداوند عمل کند.

<sup>23</sup>خداوند از اشخاصی که در داد و ستد از ترازو و  
 سنگهای نادرست استفاده می‌کنند متنفر است.

<sup>24</sup>خداوند راه زندگی ما را تعیین می‌کند، پس انسان  
 چگونه می‌تواند بفهمد زندگی او به کجا ختم می‌شود؟

<sup>25</sup>هرگز سنجیده قولی به خداوند نده، زیرا ممکن  
 است گرفتار شوی.

<sup>26</sup>پادشاه دانا بدکاران را تشخیص می‌دهد و آنها را  
 شدیداً مجازات می‌کند.

<sup>27</sup>وجدان انسان به منزله چراغ خداوند است که تمام  
 انگیزه‌های پنهانی او را آشکار می‌سازد.

<sup>28</sup>هرگاه پادشاهی مهربان و درستکار و دادگستر  
 باشد، سلطنتش پایدار می‌ماند.

<sup>29</sup>شکوه جوانان، قوت ایشان است و عزت پیران،  
 تجربه ایشان.

<sup>2</sup>دارا و ندار یک وجه مشترک دارند: هر دو آنها را خداوند آفریده است.

<sup>3</sup>شخص زیرک خطر را پیش‌بینی می‌کند و از آن اجتناب می‌نماید ولی آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌سازد.

<sup>4</sup>ثمره تواضع و خداترسی، ثروت و احترام و عمر طولانی است.

<sup>5</sup>راه اشخاص بدکار از خارها و دامها پوشیده است، پس اگر جان خود را دوست داری از رفتن به راه آنها خودداری کن.

<sup>6</sup>بچه را در راهی که باید بروی تربیت کن و او تا آخر عمر از آن منحرف نخواهد شد.

<sup>7</sup>فقیر اسیر ثروتمند است و قرض گیرنده غلام قرض دهنده.

<sup>8</sup>هر که ظلم بکارد مصیبت درو خواهد کرد و قدرتش در هم خواهد شکست.

<sup>9</sup>شخص سخاوتمندی که غذای خود را با فقرا تقسیم می‌کند، برکت خواهد یافت.

<sup>10</sup>مسخره کننده را بیرون بینداز تا نزاع و مجادله و فحاشی خاتمه یابد.

<sup>11</sup>اگر کسی پاکی قلب را دوست بدارد و سخنانش دلنشین باشد، حتی پادشاه نیز دوست او خواهد شد.

<sup>12</sup>خداوند آدمهای درستکار را محفوظ نگاه می‌دارد، اما نقشه‌های بدکاران را باطل می‌کند.

<sup>13</sup>آدم تنبیل در خانه می‌ماند و می‌گوید: «اگر بیرون بروم شیر مرا می‌خورد.»

<sup>14</sup>سخنان زن بدکار مانند یک دام خطرناک است و هر که مورد غضب خداوند باشد در آن می‌افتد.

<sup>15</sup>حماقت در وجود بچه نهفته است، ولی تنبیه آن را از او بیرون می‌کند.

<sup>16</sup>آنکه بخاطر نفع خودش به فقرا ظلم کند و به ثروتمندان هدیه دهد، عاقبت گرفتار فقر خواهد شد.

### گفتار حکیمانه

<sup>17</sup>به این سخنان مردان حکیم که به تو یاد می‌دهم گوش فرا ده و با تمام وجود از آنها پیروی کن؛ زیرا حفظ کردن آنها در دل و قرار دادن آنها بر

<sup>16</sup>مرگ در انتظار کسانی است که از راه حکمت منحرف می‌شوند.

<sup>17</sup>کسی که خوشگذرانی را دوست دارد، تهیدست می‌شود و آدم میگسار و عیاش هرگز ثروتمند نخواهد شد.

<sup>18</sup>بدکاران در همان دامی که برای درستکاران نهاده‌اند، گرفتار می‌شوند.<sup>19</sup> سکونت در بیابان بی‌آب و علف بهتر است از زندگی کردن با زن ستیز مجو.

<sup>20</sup>خانه شخص دانا از نعمت و ثروت پر است، ولی آدم نادان هر چه به دست می‌آورد بر باد می‌دهد.

<sup>21</sup>درستکار و مهربان باش تا عمر خوشی داشته باشی و از احترام و موفقیت برخوردار شوی.

<sup>22</sup>یک مرد دانا می‌تواند شهر زورمندان را بگیرد و قلعه اعتمادشان را فرو بریزد.

<sup>23</sup>هر که مواظب سخنانش باشد جانش را از مصیبت‌ها نجات خواهد داد.

<sup>24</sup>کسانی که دیگران را مسخره می‌کنند، مغرور و متکبرند.

<sup>25</sup>داشتن اشیای و آرزو برای شخص تنبل کشنده است، زیرا برای رسیدن به آن تن به کار نمی‌دهد.

<sup>26</sup>او تمام روز در آرزوی گرفتن به سر می‌برد؛ ولی شخص خداشناس سخاوتمند است و از بخشیدن به دیگران دریغ نمی‌کند.

<sup>27</sup>خدا از قربانیهای بدکاران نفرت دارد، بخصوص اگر با نیت بد تقدیم شده باشد.

<sup>28</sup>شاهد دروغگو نابود خواهد شد، اما سخنان شخص امین تا ابد باقی خواهد ماند.

<sup>29</sup>آدم بدکار خودسرانه عمل می‌کند، اما شخص درستکار تمام جوانب امر را می‌سنجد.

<sup>30</sup>هیچ حکمت و بصیرت و نقشه‌ای نمی‌تواند علیه خداوند عمل کند.

<sup>31</sup>انسان اسب را برای روز جنگ آماده می‌کند، ولی پیروزی را خداوند می‌بخشد.

نیکنامی برتر از ثروت هنگفت است و محبوبیت گرانبهارتر از طلا و نقره.

<sup>9</sup> آدم احمق را نصیحت نکن، چون او سخنان حکیمانه تو را خوار خواهد شمرد.

<sup>10</sup> سرحد ملک خود را که از قدیم تعیین شده، تغییر نده و زمین یتیمان را غصب نکن، <sup>11</sup> «زیرا حامی» ایشان قدرتمند است و به داد آنها خواهد رسید.

<sup>12</sup> وقتی دیگران تو را تأدیب می‌کنند، با تمام دل آن را بپذیر و به سخنان آموزندشان گوش فرا ده.

<sup>13</sup> <sup>14</sup> از تأدیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن. چوب تئیه او را نخواهد کشت، بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد.

<sup>15</sup> پسر، اگر حکمت در دل تو باشد، دل من شاد خواهد شد <sup>16</sup> و هنگامی که دهانت به راستی سخن بگوید، وجود من به وجد خواهد آمد.

<sup>17</sup> به بدکاران حسادت نوز، بلکه اشتیاق تو اطاعت از خداوند باشد؛ <sup>18</sup> زیرا در اینصورت آینده خوبی خواهی داشت و امید تو بر باد نخواهد رفت.

<sup>19</sup> ای پسر، عاقل باش و به سخنانم گوش فرا ده. در راه راست گام بردار <sup>20</sup> و با آدمهای میگسار و شکمپرست معاشرت نکن، <sup>21</sup> زیرا کسانی که کارشان فقط خوردن و خوابیدن است، فقیر و محتاج خواهند شد.

<sup>22</sup> نصیحت پدرت را که تو را به وجود آورده گوش بگیر و مادر پیرت را خوار مشمار. <sup>23</sup> در پی حقیقت

باش و حکمت و ادب و فهم را کسب کن و به هیچ قیمت آنها را از دست نده. <sup>24</sup> <sup>25</sup> فرزند دیرستگار و دانا باش تا مایه شادی و خشنودی پدر و مادرت شوی.

<sup>26</sup> ای پسر، به من گوش بده و از زندگی من سرمشق بگیر. <sup>27</sup> بدان که زن بدکاره دام خطرناکی است. <sup>28</sup> او مانند راهزن در کمین قربانیان خود می‌نشیند و باعث می‌شود مردان زیادی خیانتکار شوند.

<sup>29</sup> مصیبت و بدبختی گریبانگیر چه کسی می‌شود؟ آن کیست که دایم نزاع به پا می‌کند و می‌نالد، بی‌جهت زخمی می‌شود و چشمانش تار می‌گردد؟ <sup>30</sup> کسی که دایم شراب می‌خورد و بدمبال میگساری می‌رود. <sup>31</sup> پس فریفته شراب قرمز نشو که در پپاله به تو

زبان، کار پسندیده‌ای است. <sup>19</sup> این سخنان را امروز به تو تعلیم می‌دهم تا اعتماد تو بر خداوند باشد. <sup>20</sup> این کلمات گزیده را که مملو از حکمت و اندرز است، برای تو نوشته‌ام <sup>21</sup> تا حقیقت را آنچنان که هست به تو یاد دهم و تو نیز آن را به کسانی که از تو سؤال می‌کنند، بیاموزی.

<sup>22</sup> اشخاص فقیر را که حامی ندارند، استعمار نکن و حق بیچارگان را در دادگاه پایمال ننما؛ <sup>23</sup> زیرا خداوند به داد ایشان خواهد رسید و کسانی که به ایشان ظلم کرده‌اند بسزای اعمالشان خواهد رسانید.

<sup>24</sup> با اشخاص تندخو که زود عصبانی می‌شوند معاشرت نکن، <sup>25</sup> مبادا مثل آنها شوی و زندگی خود را تباه کنی.

<sup>26</sup> ضامن دیگری نشو و تعهد نکن که او قرض خود را پس خواهد داد، <sup>27</sup> زیرا اگر مجبور به پرداخت قرض او شوی و نتوانی آن را بپردازی، رختخوابت را از زیرت بیرون می‌کنند.

<sup>28</sup> سرحد ملک خود را که اجدادت از قدیم آن را تعیین کرده‌اند، به نفع خود تغییر نده.

<sup>29</sup> اگر کسی در کار خود ماهر باشد، بدان که جزو افراد گمنام نخواهد بود، بلکه به دربار پادشاهان راه خواهد یافت.

23 وقتی با حاکم سر سفره می‌نشینی، بخاطر بسپار با چه کسی روبرو هستی. <sup>2</sup> اگر آدم پرخوری هستی، کارد بر گلویت بگذار <sup>3</sup> و شیفته غذاهای لذیذ او نشو، زیرا ممکن است فریبی در کار باشد.

<sup>4</sup> عاقل باش و برای به چنگ آوردن ثروت، خودت را خسته نکن، <sup>5</sup> زیرا ثروت ناپایدار است و مانند عتاب می‌پرد و ناپدید می‌شود.

<sup>6</sup> از سفره آدم خسیس غذا نخور و برای غذاهای لذیذ او حریص نباش، <sup>7</sup> چون او حساب هر چه را که بخوری در فکرش نگه می‌دارد. او تعارف می‌کند و می‌گوید: «بخور و بنوش»، اما این را از ته دل نمی‌گوید. <sup>8</sup> لقمه‌ای را که خورده‌ای استقراغ خواهی کرد و تشکرات تو بر باد خواهد رفت.

خوبی در انتظارش خواهد بود و امیدهایش بر باد نخواهد رفت.

<sup>15</sup> ای بدکاران، منتظر نباشید که خانهٔ درستکاران را غارت و ویران کنید، <sup>16</sup> زیرا شخص درستکار حتی اگر هفت بار هم بیفتد، باز بر خواهد خاست، اما بدکاران گرفتار بلا شده، سرنگون خواهند گردید.

<sup>17</sup> وقتی دشمنان دچار مصیبتی می‌شود شادی نکن و هنگامی که می‌افتد دلشاد نشو، <sup>18</sup> زیرا ممکن است خداوند این کار تو را نپسندد و از مجازات او دست بردارد!

<sup>19</sup> بسبب بدکاران خودت را ناراحت نکن و به آنها حسادت نوز، <sup>20</sup> زیرا شخص بدکار آینده‌ای ندارد و چراغش خاموش خواهد شد.

<sup>21</sup> پسر، از خداوند و پادشاه بترس و با کسانی که بضد ایشان شورش می‌کنند همدست نشو، <sup>22</sup> کیست که بداند خداوند یا پادشاه چه بلایی بر سر چنین کسان خواهد آورد؟

### چند سخن حکیمانهٔ دیگر

<sup>23</sup> قاضی نباید در داوری از کسی طرفداری کند. <sup>24</sup> هر که به مجرم بگوید: «تو بی‌گناهی»، مورد لعنت و نفرت همهٔ مردم واقع خواهد شد، <sup>25</sup> ولی آنکه گناهکار را محکوم کند سعادت و برکت نصیبش خواهد گردید.

<sup>26</sup> جواب صادقانه مانند بوسهٔ دوست دلچسب است. <sup>27</sup> اول کسب و کاری داشته باش بعد خانه و خانواده تشکیل ده.

<sup>28</sup> علیهٔ همسایهٔ خود شهادت دروغ نده و سخنان نادرست در بارهٔ او بر زبان نیاور. <sup>29</sup> نگو: «هر چه بر سرم آورده تلافی خواهم کرد.»

<sup>30</sup> از کنار مزرعهٔ آدم تبذل و احمقی گذشتم. <sup>31</sup> همه جا خار رویده بود، علفهای هرز زمین را پوشانده و دیوار مزرعه فرو ریخته بود. <sup>32</sup> با دیدن این منظره به فکر فرو رفته و این درس را آموختم: <sup>33</sup> کسی که دست روی دست می‌گذارد ودایم می‌خواهد و استراحت می‌کند، <sup>34</sup> عاقبت فقر و تنگدستی چون راهزنی مسلح به سراغش خواهد آمد.

چشمک می‌زند و سپس به نرمی از گلویت پایین می‌رود؛ <sup>32</sup> زیرا در پایان، مثل مار سمی تو را نیش خواهد زد و چون افعی تو را خواهد گزید. <sup>33</sup> چشمات چیزهای عجیب و غریب خواهند دید و گرفتار وهم و خیال خواهی شد. <sup>34</sup> مانند کسی خواهی بود که بر سر دکل کشتی که دستخوش امواج دریاست خوابیده باشد. <sup>35</sup> خواهی گفت: «مرا زدند ولی دردی احساس نمی‌کنم. کی به هوش می‌آیم تا پیاله‌ای دیگر بنوشم؟»

## 24

به اشخاص بدکار حسادت نوز و آرزو نکن که با آنها دوست شوی، <sup>2</sup> زیرا تمام فکر و ذکر آنها این است که به مردم ظلم کنند.

<sup>3</sup> خانه با حکمت بنا می‌شود و با فهم استوار می‌گردد، <sup>4</sup> اتاقهایش با دانایی از اسباب نفیس و گرانیقیمت پر می‌شود.

<sup>5</sup> آدم دانا و فهمیده از قدرت زیاد برخوردار است و دایم به قدرت خویش می‌افزاید. <sup>6</sup> پیروزی در جنگ بستگی به تدابیر خوب و مشورت زیاد دارد.

<sup>7</sup> احمق نمی‌تواند به حکمت دست یابد؛ وقتی موضوع مهمی مورد بحث قرار می‌گیرد، او حرفی برای گفتن ندارد.

<sup>8</sup> کسی که دایم نقشه‌های پلید در سر بپروراند، عاقبت رسوا خواهد شد. <sup>9</sup> نقشه‌های آدم احمق گناه آلود است و کسی که دیگران را مسخره می‌کند مورد نفرت همهٔ مردم می‌باشد.

<sup>10</sup> اگر نتوانی سختیهای زندگی را تحمل کنی، آدم ضعیفی هستی.

<sup>11</sup> از نجات دادن کسی که به ناحق به مرگ محکوم شده است کوتاهی نکن. <sup>12</sup> نگو که از جریان بی‌خبر بوده‌ای، زیرا خدایی که جان تو در دست اوست و از دل تو آگاه است، می‌داند که تو از همه چیز با خبر بوده‌ای. او هر کسی را مطابق اعمالش جزا خواهد داد.

<sup>13</sup> <sup>4</sup> پسر، همانطور که خوردن عسل کام تو را شیرین می‌کند، همچنان کسب حکمت برای جان تو شیرین خواهد بود. کسی که حکمت بیاموزد آیندهٔ

## 25

مئل‌های دیگری از سلیمان که مردان حزقیاء، پادشاه بیهودا، آنها را به رشته

تحریر در آوردند:

<sup>2</sup>عظمت خدا در پوشاندن اسرارش می‌باشد، اما عظمت پادشاه در پی‌بردن به عمق مسایل.

<sup>3</sup>پی‌بردن به افکار پادشاهان مانند دست یافتن به آسمان و عمق زمین، غیر ممکن است.

<sup>4</sup>تاخالصی‌ها را از نقره جدا کن تا زرگر بتواند از آن ظرفی بسازد. <sup>5</sup>اطرافیان بدکار پادشاه را از او دور کن تا تخت او به عدالت پایدار بماند.

<sup>6</sup>وقتی بحضور پادشاه می‌روی خود را آدم بزرگی ندان و در جای بزرگان نایست، <sup>7</sup>چون بهتر است به تو گفته شود: «بالا تر بنشین»، از اینکه تو را در برابر چشمان بزرگان در جای پایین‌تر بنشانند.

<sup>8</sup>وقتی با همسایه‌ات اختلاف داری با شتاب به دادگاه نرو، زیرا اگر در آخر ثابت شود که حق با وی بوده است، تو چه خواهی کرد؟

<sup>9</sup>وقتی با همسایه‌ات دعوا می‌کنی رازی را که از دیگری شنیده‌ای فاش نکن، <sup>10</sup>زیرا دیگر کسی به تو اطمینان نخواهد کرد و تو بنام خواهی شد.

<sup>11</sup>اسخنی که بجا گفته شود مانند نگین‌های طلاست که در ظرف نقره‌ای نشانده باشند.

<sup>12</sup>تصبیحت شخص دانا برای گوش شنوا مانند حلقه طلا و جواهر، با ارزش است.

<sup>13</sup>خدمتگزار امین همچون آب خنک در گرمای تابستان، جان اربابش را تازه می‌کند.

<sup>14</sup>کسی که دم از بخشنده‌گی خود می‌زند، ولی چیزی به کسی نمی‌بخشد مانند ابر و بادی است که باران نمی‌دهد.

<sup>15</sup>شخص صبور می‌تواند حتی حاکم را متقاعد کند و زبان نرم می‌تواند هر مقاومت سختی را در هم بشکند.

<sup>16</sup>اگر به عمل دست یافتی زیاد از حد نخور، زیرا ممکن است دلت بهم بخورد و استفراغ کنی. <sup>17</sup>به خانه همسایه‌ات زیاد از حد نرو، مبادا از تو سیر و متنفر شود.

<sup>18</sup>شهادت دروغ مثل تبر و شمشیر و نیز صدمه می‌زند.

<sup>19</sup>اعتماد کردن به آدم خائن در زمان تنگی مانند جویدن غذا با دندان لق و دویدن با پای شکسته است.

<sup>20</sup>تواضع خواندن برای آدم غصه‌دار مثل درآوردن لباس او در هوای سرد و پاشیدن نمک روی زخم اوست.

<sup>21</sup>اگر دشمن تو گرسنه است به او غذا بده و اگر تشنه است او را آب بنوشان. <sup>22</sup>باین عمل تو او را شرمند می‌سازد و خداوند به تو پاداش خواهد داد.

<sup>23</sup>همانطور که باد شمال باران می‌آورد، همچنان بدگویی، خشم و عصبانیت به بار می‌آورد.

<sup>24</sup>سکونت در گوشه پشت بام بهتر است از زندگی کردن با زن غرغرو در یک خانه.

<sup>25</sup>خبر خوشی که از دیار دور می‌رسد، همچون آب خنکی است که به کام تشنه لب می‌رسد.

<sup>26</sup>سازش آدم بدستکار با آدم بدکار، مانند آلوده کردن منبع آب و گل‌آلود ساختن چشمه است.

<sup>27</sup>همانطور که زیاده‌روی در خوردن عسل مضر است، طلبیدن تعریف و تمجید از مردم نیز ناپسند است.

<sup>28</sup>کسی که بر نفس خویش تسلط ندارد، مثل شهری بی‌حصار است.

## 26

همانطور که باریدن برف در تابستان یا باران

در فصل درو خلاف قانون طبیعت است، همچنان است احترام گذاشتن به اشخاص نادان.

<sup>2</sup>تفرین، بر کسی که مستحق آن نیست اثری ندارد و مانند گنجشک یا پرستویی است که اینسو و آنسو پرواز می‌کند و در جایی نمی‌نشیند.

<sup>3</sup>شلاق برای اسب است و افسار برای الاغ، و چوب تنبیه برای آدم احقر.

<sup>4</sup>کسی که به سؤال احقرانه جواب دهد مثل سؤال کننده آن، احقر است. <sup>5</sup>باید به سؤال احقرانه جواب احقرانه داد تا کسی که سؤال کرده خیال نکند عاقل است.

<sup>23</sup>سخنان زیبا و فریبنده، شرارت دل را پنهان می‌سازد، درست مانند لعابی که ظرف گلی را می‌پوشاند.

<sup>24</sup>شخص کینه‌توز با حرفهای کینه دلش را مخفی می‌کند؛<sup>25</sup> اما تو گول حرفهای فریبنده او را نخور، زیرا دلش پر از نفرت است.<sup>26</sup> اگر چه نفرتش را با حيله پنهان می‌کند، اما سرانجام پلیدی او بر همگان آشکار خواهد شد.

<sup>27</sup>هر که برای دیگران چاه بکند، خود در آن خواهد افتاد. هر که سنگی بطرف دیگران بغلتاند، آن سنگ بر می‌گردد و بر روی خود او می‌افتد.  
<sup>28</sup>زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد و دهان چاپلوس خرابی بار می‌آورد.

درباره فرای خود با غرور صحبت نکن،  
**27** زیرا نمدانی چه پیش خواهد آمد.

<sup>2</sup>هرگز از خودت تعریف نکن؛ بگذار دیگران از تو تعریف کنند.

<sup>3</sup>حمل بار سنگ و ماسه سخت است، اما تحمل ناراحتیهایی که یک آدم احمق ایجاد می‌کند، از آن هم سخت‌تر است.

<sup>4</sup>حسادت خطرناک‌تر و بی‌رحم‌تر از خشم و غضب است.

<sup>5</sup>سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است.

<sup>6</sup>زخم دوست بهتر از بوسه دشمن است.

<sup>7</sup>شکم سیر حتی از عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر چیز تلخی شیرین است.

<sup>8</sup>کسی که از خانه‌اش دور می‌شود همچون پرنده‌ای است که از آشیانه‌اش آواره شده باشد.

<sup>9</sup>مشورت صمیمانه یک دوست همچون عطری خوشبو، دلپذیر است.

<sup>10</sup>دوست خود و دوست پرت را هرگز ترک نکن، و وقتی در تنگی هستی سراغ برادرت نرو؛ همسایه نزدیک بهتر از برادر دور می‌تواند به تو کمک کند.

<sup>11</sup>پسرم، حکمت بیاموز و دل مرا شاد کن تا بتوانم جواب کسانی را که مرا سرزنش می‌کنند، بدهم.

<sup>6</sup>کسی که توسط آدم احمقی بیغام می‌فرستد مثل شخصی است که پای خود را قطع می‌کند و با زهر می‌نوشد.

<sup>7</sup>مثلی که از دهان شخص نادان بیرون می‌آید، مانند پای لنگ، سست است.

<sup>8</sup>احترام گذاشتن به آدم احمق، مانند بستن سنگ به فلاخن، کار احمقانه‌ای است.

<sup>9</sup>مثلی که از دهان آدم احمق بیرون می‌آید همچون خاری که به دست آدم مست فرو می‌رود و او حس نمی‌کند، بی‌اثر است.

<sup>10</sup>کسی که آدم احمقی را استخدام می‌کند مانند تیراندازی است که هر رهگذری را مجروح می‌سازد.

<sup>11</sup>آدم احمقی که حماقت خود را تکرار می‌کند مانند سگی است که آنچه را که استفراغ کرده می‌خورد.

<sup>12</sup>کسی که در نظر خود عاقل است از یک احمق هم نادان‌تر است.

<sup>13</sup>آدم تنبیل پیش را از خانه بیرون نمی‌گذارد و می‌گوید: «شیرهای درنده‌ای در کوچها هستند!»

<sup>14</sup>او مانند دری که بر پاشنه‌اش می‌چرخد، در رختخوابش می‌غلند و از آن جدا نمی‌شود.<sup>15</sup> دستش را بطرف بشقاب دراز می‌کند ولی از فرط تنبلی لقمه را به دهانش نمی‌گذارد.<sup>16</sup> با این حال او خود را داناتر از هفت مرد عاقل می‌داند.

<sup>17</sup>کسی که در نزاعی دخالت می‌کند که به او مربوط نیست مانند شخصی است که گوشه‌های سگی را می‌کشد.

<sup>18,19</sup>شخصی که همسایه خود را فریب بدهد و بعد بگوید که شوخی کرده است، مثل دیوانه‌ای است که به هر طرف آتش و تیرهای مرگبار پرت می‌کند.

<sup>20</sup>هیزم که نباشد آتش خاموش می‌شود، سخن‌چین که نباشد نزاع فرو می‌نشیند.

<sup>21</sup>همانطور که زغال و هیزم آتش را مشتعل می‌کند، مرد ستیزه‌جو هم جنگ و نزاع بر پا می‌نماید.

<sup>22</sup>حرفهای آدم سخن‌چین مانند لقمه‌های لذیذی است که با لذت بلعیده می‌شود.

## 28

بدکاران می‌گریزند، در حالیکه کسی آنها را تعقیب نمی‌کند! ولی خداشناسان چون شیر، شجاع هستند.<sup>1</sup>

<sup>2</sup>وقتی ملتی گرفتار فساد شود، دولتش به آسانی سرنگون می‌گردد، اما رهبران درستکار و عاقل مایهٔ ثبات مملکت هستند.

<sup>3</sup>حاکمی که بر فقرا ظلم می‌کند مانند باران تند است که محصول را از بین می‌برد.

<sup>4</sup>بی‌توجهی نسبت به قانون، ستایش بدکاران است ولی اطاعت از آن، مبارزه با بدی می‌باشد.

<sup>5</sup>عدالت برای بدکاران بی‌معنی است، اما پیروان خداوند اهمیت آن را خوب می‌دانند.

<sup>6</sup>انسان بهتر است فقیر و درستکار باشد تا ثروتمند و کلاهبردار.

<sup>7</sup>جوانی که از قوانین الهی اطاعت کند داناست، اما کسی که همدم اوباش و اراذل شود مایهٔ ننگ پدرش می‌باشد.

<sup>8</sup>مالی که از راه رباخواری و بهره‌کشی از فقرا حاصل شود عاقبت به دست کسی می‌افتد که بر فقرا رحم می‌کند.

<sup>9</sup>خدا از دعای کسانی که احکام او را اطاعت نمی‌کنند، کراهت دارد.

<sup>10</sup>هر که دام بر سر راه شخص درستکار بنهد و او را به راه بد بکشاند، عاقبت به دام خود گرفتار خواهد شد، ولی اشخاص نیک پاداش خوبی خواهند یافت.

<sup>11</sup>ثروتمندان خود را دانا می‌پندارند، اما فقیر خردمند از واقعیت درون آنها با خبر است.

<sup>12</sup>وقتی نیکان پیروز می‌شوند، همه شادی می‌کنند، اما هنگامی که بدکاران به قدرت می‌رسند، مردم خود را پنهان می‌کنند.

<sup>13</sup>هر که گناه خود را ببوشاند، هرگز کامیاب نخواهد شد، اما کسی که آن را اعتراف کند و از آن دست بکشد خدا بر او رحم خواهد کرد.

<sup>12</sup>شخص زیرک خطر را پیش‌بینی می‌کند و از آن اجتناب می‌نماید، ولی آدم جاهل بسوی آن می‌رود و خود را گرفتار می‌کند.

<sup>13</sup>از کسی که نزد تو ضامن شخص غریبی می‌شود، گرو بگیر.

<sup>14</sup>اگر صبح زود با دعای خیر برای دوستت او را از خواب بیدار کنی، دعای تو همچون لعنت خواهد بود.

<sup>15</sup>غرغره‌های زن بهانه‌گیر مثل چک‌چک آب در روز بارانی است؛<sup>16</sup> همانطور که نمی‌توان از وزیدن باد جلوگیری کرد، و یا با دستهای چرب چیزی را نگه داشت، همانطور هم محال است بتوان از غرغره زنی جلوگیری کرد.

<sup>17</sup>همانطور که آهن، آهن را می‌تراشد، دوست نیز شخصیت دوستش را اصلاح می‌کند.

<sup>18</sup>هر که درختی پیرواند از میوه‌اش نیز خواهد خورد و هر که به اربابش خدمت کند پاداش خدمتش را خواهد گرفت.

<sup>19</sup>همانطور که انسان در آب، صورت خود را می‌بیند، در وجود دیگران نیز وجود خویش را مشاهده می‌کند.

<sup>20</sup>همانطور که دنیای مردگان از بلعیدن زندگان سیر نمی‌شود، خواسته‌های انسان نیز هرگز ارضاء نمی‌گردد.

<sup>21</sup>طلا و نقره را بوسیلهٔ آتش می‌آزمایند، ولی انسان را از عکس‌العملش در برابر تعریف و تمجید دیگران می‌توان شناخت.

<sup>22</sup>اگر احمق را در داخل هاون هم بکوبی حماقتش از او جدا نمی‌شود.

<sup>23</sup>مال و دارایی زود از بین می‌رود و تاج و تخت پادشاه تا ابد برای نسل او باقی نمی‌ماند. پس تو با دقت از گله و رمه‌ات مواظبت کن،<sup>25</sup> زیرا وقتی علوفه چیده شود و محصول جدید به بار آید و علف کوهستان جمع آوری شود،<sup>26</sup> آنگاه از پشم گوسفندان لباس تهیه خواهی کرد، از فروش بزهایت زمین خواهی خرید<sup>27</sup> و از شیر بقیهٔ بزها تو و خانواده و کنیزانت سیر خواهید شد.

<sup>28</sup>هنگامی که بدکاران به قدرت می‌رسند، مردم خود را پنهان می‌کنند، اما وقتی بدکاران سقوط کنند در دستکاران دوباره قدرت را به دست خواهند گرفت.

کسی که بعد از تنبیه بسیار، باز سرسختی کند، ناگهان خرد خواهد شد و دیگر عاجی نخواهد داشت.

<sup>2</sup>وقتی قدرت در دست نیکان است مردم شادند، اما قدرت که به دست بدان بیفتد مردم می‌نالند.

<sup>3</sup>پسر عاقل پدرش را خوشحال می‌کند، اما پسری که بدنبال زنان بدکاره می‌رود اموالش را بر باد می‌دهد.

<sup>4</sup>پادشاه عاقل به مملکتش ثبات می‌بخشد، اما آنکه رشوه می‌گیرد مملکت خود را نابود می‌کند.

<sup>5</sup>شخص متملق با چاپلوسی‌های خود به دوستش صدمه می‌زند.

<sup>6</sup>بدکاران در دام گناه خود گرفتار می‌شوند، اما شادی نصیب در دستکاران می‌گردد.

<sup>7</sup>شخص در دستکار نسبت به فقرا باانصاف است، اما آدم بدکار به فکر آنها نیست.

<sup>8</sup>آدم احمقی که همه را مسخره می‌کند می‌تواند شهری را به آشوب بکشاند، اما شخص دانا تلاش می‌کند صلح و آرامش برقرار نماید.

<sup>9</sup>بحث کردن با آدم نادان سودی ندارد، زیرا او یا عصبانی می‌شود یا مسخره می‌کند.

<sup>10</sup>افرادی که تشنه خون هستند از اشخاص در دستکار متفرند و قصد جانشان را دارند.

<sup>11</sup>آدم نادان خشم خود را فوری بروز می‌دهد، اما شخص دانا جلو خشم خود را می‌گیرد.

<sup>12</sup>اگر حاکم به حرفهای دروغ گوش کند، تمام افرادش دروغگو خواهند شد.

<sup>13</sup>فقیر و ثروتمند در یک چیز مثل هم هستند: خداوند به هر دو آنها چشم بینا داده است.

<sup>14</sup>پادشاهی که نسبت به فقرا باانصاف باشد، سلطنتش همیشه پایرا خواهد ماند.

<sup>15</sup>برای تربیت بچه، چوب تادیب لازم است. اگر او را به حال خود واگذاری و ادب نکنی، باعث

سرافکندگی مادرش خواهد شد.

<sup>14</sup>خوشایه حال کسی که ترس خدا را در دل دارد، زیرا هر که نسبت به خدا سرسخت باشد گرفتار بلا و بدبختی می‌شود.

<sup>15</sup>مردم بیچاره‌ای که زیر سلطه حاکم ظالمی هستند، مانند کسانی می‌باشند که گرفتار شیر غران یا خرس گرسنه شده باشند.

<sup>16</sup>سلطان نادان به ملت خود ظلم می‌کند. پادشاهی که از نادرستی و رشوه‌خواری نفرت داشته باشد، سلطنتش طولانی خواهد بود.

<sup>17</sup>عذاب وجدان شخص قاتل او را بسوی مجازات خواهد برد، پس تو سعی نکن او را از عذابش برهانی.

<sup>18</sup>هر که در راه راست ثابت‌قدم باشد در امان خواهد ماند، اما کسی که به راه‌های کج برود خواهد افتاد.

<sup>19</sup>هر که در زمین خود زراعت کند نان کافی خواهد داشت، اما کسی که وقت خود را به بطالت بگذراند فقر گریبانگیر او خواهد شد.

<sup>20</sup>اشخاص در دستکار کامیاب خواهند شد، اما کسانی که برای ثروتمند شدن عجله می‌کنند بی‌سزا نخواهند ماند.

<sup>21</sup>طرفداری، کار درستی نیست؛ اما هستند قضاتی که بخاطر یک لقمه نان، بی‌انصافی می‌کنند.

<sup>22</sup>آدم خسیس فقط به فکر جمع‌آوری ثروت است غافل از اینکه فقر در انتظار اوست.

<sup>23</sup>اگر اشتباه کسی را به او گوشزد کنی، در آخر از تو بیشتر قدردانی خواهد کرد تا از کسی که پیش او چاپلوسی کرده است.

<sup>24</sup>کسی که والدین خود را غارت می‌کند و می‌گوید: «کار بدی نکردم»، دست کمی از یک آکنش ندارد.

<sup>25</sup>حرص و آز باعث جنگ و جدال می‌شود؛ اما توکل نمودن به خداوند انسان را کامیاب می‌کند.

<sup>26</sup>هر که بر نقشه‌های خود تکیه می‌کند احمق است، ولی آنانی که از تعالیم خدا پیروی می‌نمایند، در امان می‌باشند.

<sup>27</sup>اگر به فقرا کمک کنی، هرگز محتاج نخواهی شد؛ ولی اگر روی خود را از فقیر برگردانی، مورد لعنت قرار خواهی گرفت.



کرده است؟ نامش چیست و پسرش چه نام دارد؟ اگر می‌دانی بگو!

<sup>5</sup>سخنان خدا تمام پاک و مبراست. او مانند یک سیر از تمام کسانی که به او پناه می‌برند محافظت می‌کند. <sup>6</sup>به سخنان او چیزی اضافه نکن، مبادا تو را توبیخ نماید و تو دروغگو قلمداد شوی.

<sup>7</sup>ای خدا، قبل از آنکه بمیرم دو چیز از تو می‌طلبم: <sup>8</sup>مرا از دروغ گفتن حفظ کن و مرا نه تهیست بگردان و نه ثروتمند، بلکه روزی مرا به من بده؛ <sup>9</sup>چون اگر ثروتمند شوم ممکن است تو را انکار کنم و بگویم: «خداوند کیست؟» و اگر تهیست گرم امکان دارد دزدی کنم و نام تو را بی‌حرمت نمایم.

<sup>10</sup>هرگز از کسی نزد کارفرمایش بدگویی نکن، مبادا به نفرین او گرفتار شوی.

<sup>11</sup>هستند کسانی که پدر و مادر خود را نفرین می‌کنند. <sup>12</sup>هستند کسانی که خود را پاک می‌دانند در حالی که به گناه آلوده‌اند. <sup>13</sup>هستند کسانی که از نگاهشان کبر و غرور می‌بارد، <sup>14</sup>هستند کسانی که دندانهای خود را تیز می‌کنند تا بجان مردم فقیر بیفتند و آنها را ببلعند.

<sup>15</sup>در دنیا چهار چیز مثل زلوس است که هر چه می‌خورد سیر نمی‌شود: <sup>16</sup>دنیای مردگان،

رحم نازا،

زمین بی‌آب،

آتش مشتعل.

<sup>17</sup>کسی که پدر خود را مسخره کند و مادرش را تحقیر نماید، کلاغها چشمانش را از کاسه در می‌آورند و لاشخورها بدنش را می‌خورند.

<sup>18</sup>چهار چیز برای من بسیار عجیبند و من آنها را نمی‌فهمم:

<sup>19</sup>پرواز عقاب در آسمان،

خزیدن مار روی صخره،

عبور گشتی از دریا،

و به وجود آمدن عشق بین زن و مرد.

<sup>20</sup>زن بدکاره زنا می‌کند و با بی‌شرمی می‌گوید:

«گناهی نکرده‌ام!»

<sup>16</sup>وقتی اشخاص بدکار به قدرت می‌رسند، فساد زیاد می‌شود؛ ولی قدرت آنها دوامی نخواهد داشت و نیکان سقوط آنها را به چشم خواهند دید.

<sup>17</sup>فرزند خود را تأدیب کن تا باعث شادی و آرامش فکر تو شود.

<sup>18</sup>در جایی که پیام خدا نیست، مردم سرکش می‌شوند. خوشبحال قومی که احکام خدا را به جا می‌آورند.

<sup>19</sup>خدمتکار را نمی‌توان تنها با نصیحت اصلاح کرد، زیرا او هر چند حرفهای تو را بفهمد ولی به آنها توجه نخواهد کرد.

<sup>20</sup>شخصی که بدون فکر کردن و با عجله جواب می‌دهد از یک احمق هم بدتر است.

<sup>21</sup>غلامی که اربابش او را از کودکی به ناز پرورده باشد، برای اربابش غلامی نخواهد کرد.

<sup>22</sup>شخص تندخو نزاع به پا می‌کند و باعث ناراحتی می‌شود.

<sup>23</sup>تکبر، انسان را به زمین می‌زند، ولی فروتنی منجر به سربلندی می‌شود.

<sup>24</sup>کسی که با دزد رفیق می‌شود، دشمن جان خویش است، زیرا شهادت دروغ می‌دهد و به این ترتیب خود را زیر لعنت قرار می‌دهد.

<sup>25</sup>کسی که از انسان می‌ترسد گرفتار می‌شود، اما شخصی که به خداوند توکل می‌کند در امان می‌ماند.

<sup>26</sup>بسیاری از مردم از حاکم انتظار لطف دارند غافل از اینکه خداوند است که حق هر کس را می‌دهد.

<sup>27</sup>درستکاران از بدکاران نفرت دارند و بدکاران از درستکاران.

### سخنان آگور

نها سخنان گزیده آگور، پسر یاقه است  
30  
خطاب به ایتی نیل و اوکال:

<sup>2</sup>من نادان‌ترین و بی‌فهم‌ترین آدمیان هستم. <sup>3</sup>حکمتی در من نیست و شناختی از خدا ندارم. <sup>4</sup>آن کیست که

آسمان و زمین را زیر پا می‌گذارد؟ آن کیست که باد را در دست خود نگه می‌دارد و آنها را در ردای خود می‌پیچد؟ آن کیست که حدود زمین را برقرار

تلخکام هستند،<sup>7</sup> تا بنوشند و فقر و بدبختی خود را فراموش کنند.  
<sup>8</sup> دهان خود را باز کن و از حق کسانی که بی‌زبان و بی‌چاره اند دفاع کن. <sup>9</sup> دهان خود را باز کن و به انصاف دوری نما و به داد فقیران و محتاجان برس.

### خصوصیات یک همسر خوب

<sup>10</sup> یک زن خوب را چه کسی می‌تواند پیدا کند؟ ارزش او از جواهرات هم بیشتر است!<sup>11</sup> او مورد اعتماد شوهرش می‌باشد و نمی‌گذارد شوهرش به چیزی محتاج شود. <sup>12</sup> در تمام روزهای زندگی به شوهرش خوبی خواهد کرد، نه بدی. <sup>13</sup> پشم و کتان می‌گیرد و با دستهای خود آنها را می‌ریسد. <sup>14</sup> او برای تهیه خوراک، مانند کشتیهای بازرگانان به راههای دور می‌رود. <sup>15</sup> قبل از روشن شدن هوا، بیدار می‌شود و برای خانواده‌اش خوراک آماده می‌کند و دستورات لازم را به کنیزانش می‌دهد. <sup>16</sup> مزرعه‌ای را در نظر می‌گیرد و پس از بررسیهای لازم آن را می‌خرد و با دسترنج خود تاکستان ایجاد می‌کند. <sup>17</sup> او قوی و پرکار است. <sup>18</sup> به امور خرید و فروش رسیدگی می‌نماید و شبها تا دیروقت در خانه کار می‌کند. <sup>19</sup> با دستهای خود نخ می‌ریسد و پارچه می‌بافد. <sup>20</sup> او دست و دل باز است و به فقرا کمک می‌کند. <sup>21</sup> از برف و سرما باکی ندارد، چون برای تمام اهل خانه‌اش لباس گرم بافته است. <sup>22</sup> برای خود نیز لباسهای زیبا از پارچه‌های نفیس می‌دوزد. <sup>23، 24</sup> او لباس و کمر بند تهیه می‌کند و به تاجرها می‌فروشد. شوهر چنین زنی در میان بزرگان شهر مورد احترام خواهد بود. <sup>25</sup> او زنی است قوی و با وقار و از آینده نمی‌ترسد. <sup>26</sup> سخنانش پر از حکمت و نصیحت محبت‌آمیز است. <sup>27</sup> او تبدیلی نمی‌کند، بلکه به احتیاجات خانواده‌اش رسیدگی می‌نماید. <sup>28</sup> فرزندان او را می‌ستایند و شوهرش از او تمجید نموده، می‌گوید: <sup>29</sup> «تو در میان تمام زنان خوب، بی‌نظیر هستی!»

<sup>21</sup> چهار چیز است که زمین تاب تحملش را ندارد و از شنیدنش می‌لرزد:  
<sup>22</sup> برده‌ای که پادشاه شود،  
 احمقی که سیر و توانگر گردد،  
<sup>23</sup> زن بداخلاقی که شوهر کرده باشد،  
 و کنیزی که جای بانوی خود را بگیرد.  
<sup>24</sup> تر زمین چهار موجود کوچک و دانا وجود دارند:  
<sup>25</sup> مورچه‌ها که ضعیف هستند ولی برای زمستان خوراک ذخیره می‌کنند،  
<sup>26</sup> گورکنها که ناتوانند اما در میان صخره‌ها برای خود لانه می‌سازند،  
<sup>27</sup> ملخها که رهبری ندارند ولی در دسته‌های منظم حرکت می‌کنند،  
<sup>28</sup> و مارمولکها که می‌توان آنها را در دست گرفت،  
 اما حتی به کاخ پادشاهان نیز راه می‌یابند.  
<sup>29</sup> چهار موجود هستند که راه رفتیشان با وقار است:  
<sup>30</sup> شیر که سلطان حیوانات است و از هیچ چیز نمی‌ترسد،  
<sup>31</sup> طاووس،  
 بز نر،

و پادشاهی که سپاهانش همراه او هستند.  
<sup>32</sup> اگر از روی حماقت مغرور شده‌ای و اگر نقشه‌های پلید در سر پرورنده‌ای، به خود بیا و از این کارت دست بکش. <sup>33</sup> از زدن شیر، کره به دست می‌آید؛ از ضربه زدن به دماغ خون جاری می‌شود؛ و از برانگیختن خشم، نزاع درمی‌گیرد.

### نصیحت به یک پادشاه

اینها سخنان گزیده‌ای است که مادر لمونیل پادشاه به او تعلیم داد:

## 31

<sup>1</sup> ای پسر من، ای پسری که تو را در جواب دعاهایم یافته‌ام، <sup>2</sup> نیروی جوانی خود را صرف زنان نکن، زیرا آنها باعث نابودی پادشاهان شده‌اند.  
<sup>3</sup> ای لمونیل، شایسته پادشاهان نیست که می‌گساری کنند، <sup>4</sup> چون ممکن است قوانین را فراموش کرده نتوانند به داد مظلومان برسند. <sup>5</sup> شراب را به کسانی بده که در انتظار مرگند و به اشخاصی که دلتنگ و

<sup>30</sup>زیبایی فریبنده و ناپایدار است، اما زنی که خداترس باشد قابل ستایش است.<sup>31</sup> پاداش کارهایش را به او بدهید و بگذارید همه او را تحسین کنند.